



مهر گیاه

ویژه نگاهداری پیرامون زیستگاه مان

ناشر: انتشارات مهر گیاه

مدیر: شان فاضلی

زیر نظر: شورای نویسندگان

دبیر شورای نویسندگان:

نوشین معینی کرمانشاهی

روابط عمومی: گلریز معینی

صفحه آرایی و جلد پردازی: مزگان یوسفی

حروف نگاری: مؤژان دیزاین

نظارت چاپ: KPM GROUP, INC.

پخش جنوب کالیفرنیا: واهیک

روی جلد: ماریل همینگوی (فعال زیست

محیطی)

پشت جلد: مربوط به کنفرانس سازمان ملل

در کپنهاگ - دانمارک (Cop 15)

■ مهر گیاه نشریه ای است آزاد و به هیچ گروهی بستگی ندارد.

■ مسئولیت مقالات چاپ شده در مهر گیاه با نویسندگان آنهاست.

■ هر گونه استفاده از مقالات با ذکر مأخذ آزاد است.

■ مهر گیاه از پذیرفتن مقالات بی نام معذور است.

■ مهر گیاه در قبول و رد مقالات و حک و اصلاح آن آزاد است.

■ مقالات ارسالی به هیچ وجه مسترد نخواهد شد.

اشتراک سالانه (۶ شماره):

آمریکا ۳۰ دلار

سایر کشورهای جهان ۵۰ دلار

تک شماره ۳ دلار

تارنما: www.mehregyiah.com

آدرس: #57 11012 Ventura Blvd.

Studio City, CA 91604

پست الکترونیک: shan@mehregyiah.com

mag@mehregyiah.com

تلفن: 310.933.7172

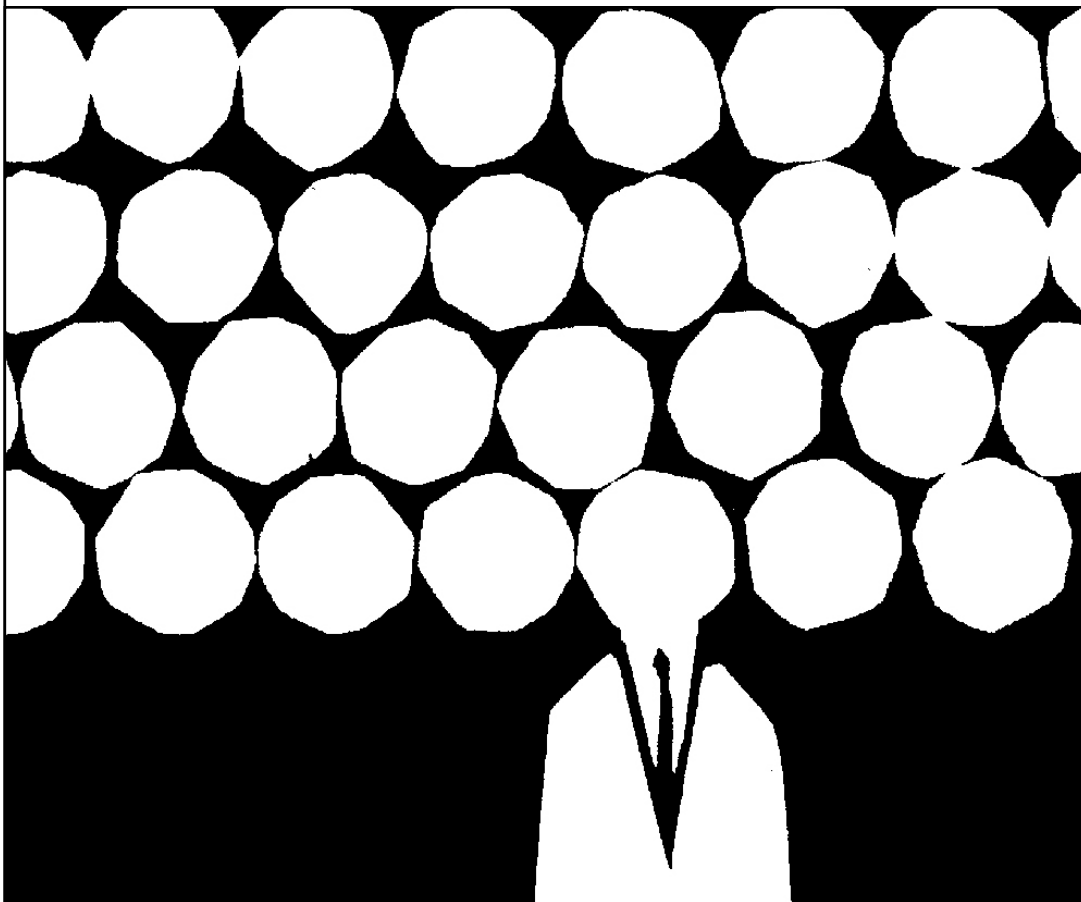
فکس: 310.943.2236

برخیز که باد صبح نوروز در باغچه می کند، گل افشان خاموشی بلبلان مشتاق در موسم گل، ندارد امکان

بهاران و نوروز بر همگان پر گل و شکوفه باد

در این شماره می خوانید:

| | | |
|----|---------------------------|----------------------------------|
| ۴ | شان فاضلی | به طلبکاری این مهر گیاه آمده ایم |
| ۵ | کارل شاگان | در دایره هستی ما نقطه برگاریم |
| ۶ | --- | نوروز بر پیشانی تاریخ |
| ۹ | پرویز خائفی | انسان و درخت |
| ۱۰ | پروین | خانه من، زمین ما |
| ۱۲ | همایون خیری | راز جنگل سبز |
| ۱۴ | مسعود عزیزی | انرژی |
| ۱۹ | شان فاضلی | دلهره های تنها یک زمین |
| ۲۴ | نوشین معینی کرمانشاهی | بهار خاموش |
| ۲۶ | بار بارا وارد - رنه دو بو | زمین، میراث آدمی |
| ۳۱ | مریال همینگوی | زندگی سالم |
| ۳۲ | | بخش انگلیسی |



... به طلبکاری این "مهر گیاه" آمده ایم

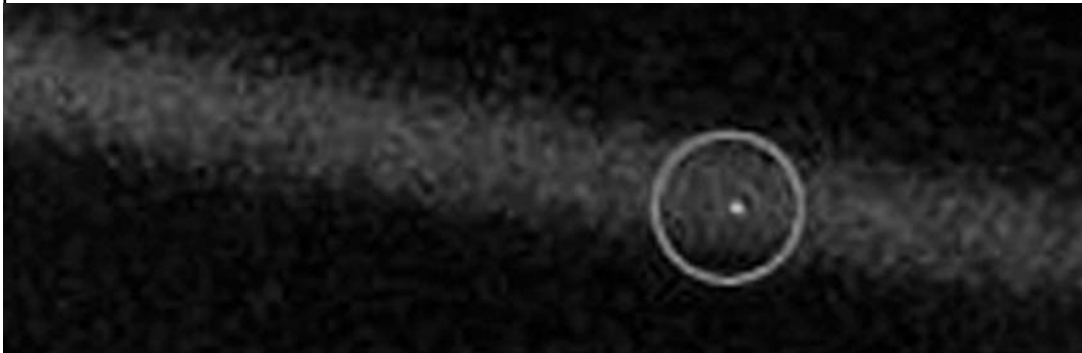
ما فرزندان تنها یک زمین در کم‌کشانییم

همواره در هر جامعه‌ای از ضروریات است و ما ایرانیان غربت نشین نیز از این قاعده مستثنی نیستیم و اینگونه بود که اولین شماره "مهر گیاه" متولد شد. نه دفتری داریم و نه میز و صندلی و وسائل دفتری؛ اما گروهی هستیم با سری پر شور و دلی مهربان و امیدوار که در آستانه نوروز و دگرگونی طبیعت و آمدن بهار و فرا رسیدن سال نو، با هم ۹ ماهگی برنامه رادیویی مهر گیاه و تولد اولین شماره مجله "مهر گیاه" را جشن می‌گیریم. سپاسگزار مهرتان هستیم و امیدوار یاری‌تان.

نوروزتان پیروز و هر روزتان نوروز
شان فاضلی

اما چرا مهر گیاه ...
مهاجرت ناخواسته و کوچ اجباری گروه بزرگی از ایرانیان به سراسر جهان که در تاریخ ایران زمین از حدود ۱۴ قرن قبل به این طرف بی سابقه بوده لزوم به ایجاد وسائل ارتباط جمعی ایرانی را روز بروز بیشتر نمایان ساخته و با چنین اندیشه‌ای در هر کشوری گروهی دست به دست هم دادند و با راه انداختن تلویزیون، رادیو و یا روزنامه و مجله‌ای در شهر و کشورشان با هموطنان به گفتگو نشستند، اما همواره جای یک رسانه که رأساً به مسائل زیست محیطی نیز پردازد در خارج از ایران زمین خالی بود. حفظ و حراست محیط زیست

تا این چند سطر را بنویسم، چندین صفحه را خط خطی کردم چون تا جایی که بیاد دارم حتی از زمان نوجوانی نوشتن برای من از صحبت کردن دشوار تر بوده و شاید به همین دلیل است که مهر گیاه را اول به صورت یک برنامه رادیویی از رادیو KIRN670AM در حدود نه ماه پیش آغاز کردم. خوشحالم که اولین شماره مجله مهر گیاه را پیش رویتان دارید و این مهم میسر نگردید مگر به یاری یک گروه از همفکران و دوستان که همه با هم همصدا شدیم و پیمان "مهر" با گیاه و مادر طبیعت بستیم و در نیمه راه یکدیگر را تنها نگذاشتیم و تازه این آغاز کار است.



در دایره هستی ما نقطه پرگاریم...

■ در این کهکشان نا متناهی به این نقطه نگاه کنید، این نقطه کوچک، جایگاه ماست، خانه مان اینجاست، فریاد بزنییم "ما اینجا" تمام آنهایی که دوستشان داریم، و آنهایی که دوستان دارند، کسانی که می شناسیم یا تاکنون در باره اشان شنیده ایم، تمام کسانی که وجود داشتند، دوستان یا دشمنان! زندگی شان را در این نقطه کوچک سپری کردند، با تمام خوشی ها و رنج ها، روزگارانمان در همین نقطه جمع شده است. هزاران آئین و باور، با آفرینندگانشان در اینجا زندگی کردند، تمام شکارچیان و صیادان، تمام قهرمانان و بزدلان، تمام آفرینندگان و ویران گران تمدن ها، پادشاهان، رعایا، و همه زوج های جوان عاشق، پدران و مادران کودکان امیدوار، مخترعان و کاشفان، آموزگاران اخلاق و همه سیاستمداران نابکار، تمامی "ابریستاره ها"، رهبران کبیر، تمام قدیسان، و گناهکاران که در تاریخ رقم خورده اند، در این جا زیسته اند. در این ذره غبار که در فضای بیکران در برابر اشعه خورشید شناور است، و زمین ذره ای کوچک و خرد در برابر عظمت جهان. زمین تنها جای شناخته شده ای است که قابلیت زیست دارد، هیچ جایی نیست! تا حداقل در آینده نزدیک که گونه ی بشر بتواند به آن هجرت کند، می گوید مشاهدات، بله! استقرار؛ هنوز نه، خوشمان بیاید، یا نه، زمین تنها جایی است که می توانیم روی پایمان بایستیم.

xxx

شاید هیچ تصویری بهتر از این غرور نابخردانه انسان در دنیای کوچکش به نمایش گذاشته نشده است، این تصویر تاکید می کند بر مسئولیت ما در جهت برخورد مهربانانه ما با بکدیگر و تلاش در گرمی داشتن این نقطه خرد، تنها خانه ای که تاکنون شناخته ایم.

از: کارل ساگان، فضانورد آمریکایی، تصویر از ویچر



نوروز زمان باززایی و نوگشت طبیعت و آفرینش انسان و رجعت او به حیات طبیعی است. در این روز طبیعت پوسته ستبر افسردگی زمستان را میدرد و در هستی شکوفای بهار جوانه می زند و می شکوفد. مردم زایش دوباره حیات طبیعی را در گذار از سالی خموده و کهنه به سالی بالنده و نو جشن می گیرند. جشنهای نوروزی دوازده روز، از نخستین روز فروردین، آغاز بهار، تا روز سیزدهم طول می کشد. این دوره دوازده روزه زمان گذار و انتقال از ایستایی و نهفتگی به پویایی و پیداری است. این دوازده روز نمادی از دوازده ماه سال و یادآور افسانه دوازده هزار سال عمر جهان است.

مردم از چند روز پیش از گردش سال و آمدن سال نو آئینها و آدابی به پیشباز نوروز می روند و در روز سیزدهم فروردین به جشن و آئینهای نوروزی پایان می دهند. سیزده نه تنها روز چایان سال کهنه و آخر خط مناسک گذار و انتقال است، بلکه به باور و پنداشت مردم دوران کهن نشانی از پایان عمر دوازده هزار ساله جهان است. از این رو این روز زمان آشفتگی و هرج و مرج است. شیرازه زندگی اجتماعی مردم از هم می گسلد و زندگی روند عادی و طبیعی خود را وامی نهد و به آشوب و بی نظمی کشیده می شود.

وابستگی انسان به طبیعت بیشتر به سبب تاثیر آن در زندگی اقتصادی اوست. هر یک از فصلهای سال اثر و نقشی ویژه در شکل دادن فعالیت های مردم در جامعه دارد. مثلا زمستان برای جامعه های کشاورز زمان بیکاری و در خانه ماندن و خفتگی است، در حالی که بهار و تابستان هنگام کار و کوشش در عرصه بیرون از خانه در مزرعه و کوه و دشت، مردم روستایی در فصل سرد و یخبندان، دور از هم و تنها در جدایی زندگی می کنند، و در فصل بهار و گرما با هم و در پیوند با یکدیگر، پس نوروز،





نوروز بر پیشانی تاریخ

بشقاب، و نشانیدن تخم تریزک یا کنجد روی کوزه های سفالی و رویاندن و سبز کردن آنها برای نوروز، آغاز دوباره رویش دانه ها و گیاهان را در طبیعت تقدیس می کند و به کار کشت وزرع بها می دهند.

شب چهارشنبه آخر سال کهنه را جشن می گیرند و با آتش زدن بوته های خار بیابانی دل شب تیره را روشن می کنند. هر خانواده با آتش زدن سه یا پنج کپه خار در خانه، فضای خانه خود را با دود و دم آتش از موجودات زیانبار می پالایند و دیو و اهریمن را از محیط زیست خود به دور می رانند.

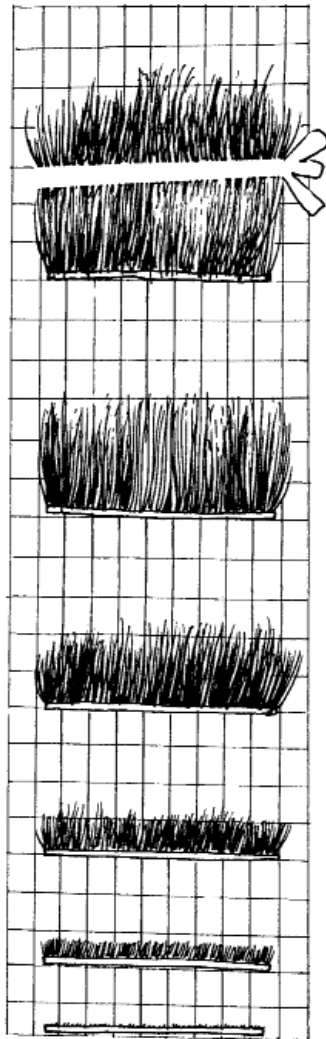
هر کس نیز چند بار به دور آتشیهای افروخته می گردد، یا از روی آنها می پرد تا بیماری و زردی و غم و محنت را خود را بزاید و سرخی و گرمی و سلامت و شادگونی را به هستی خود بگیرد و سال نو را با تندرستی و شادی آغاز کند.

در آخر سال همه خود را می شویند و آلودگیها و پلشتیهای یکساله را از تن خود می زدایند و به آب می دهند. در آخرین روز سال، که آن را تهرانها روز "عرفه" و خراسانیها روز "بی بی حور" می نامند، مردم با تنی تطهیر شده و با جامه ای پاکیزه یا نو، برای یادآوری مردگان خود به گورستانها می روند و بر سر گور آنها روشنایی می گذارند.

غروب همان روز نیز برخی از مردم ایران مشعلها و فانوسهایی روی بامهای خود می گذارند و برخی دیگر آتش در خانه خود می افروزند. همچنین چراغهای خانه خود را زودتر از معمول و به هنگام "آفتاب پر" روشن می کنند و آن را تا سپیده دم روز سال نو روشن می گذارند بماند همه این آداب بر پایه این پنداشت و باور است که روان مردگان در شب سال نو آزاد خواهند شد و از آسمان به زمین خواهند آمد تا با زندگان

دایره زندگی به شعر خوانی و رقص می پرداختند.

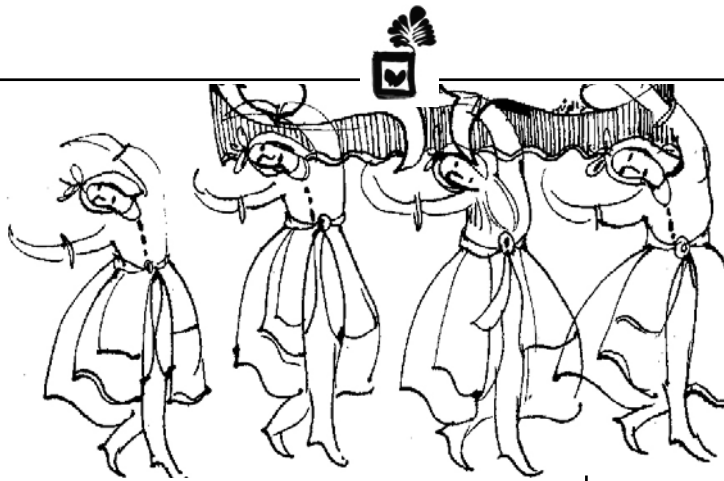
مردم با خانه تکانی و زدودن آلودگی از خانه و اسباب خانه و پاکسازی و محیط زندگی و دور افکندی اشیای کهنه و فرسوده و جایگزینی آنها با اشیاء و



کالاهای تازه و نو، ارواح شریر و خبیث و جن و شیطان را از خود و زندگی خود دور می کنند و به پیشباز نوروز می روند. هر خانواده با کاشتن گندم و جو و عدس و دانه های دیگر در سینی و

نشانه مرگ زمستان و زایش بهار و تابستان، و زمان خروج انسان از عالم تنهایی و جدایی و در آمدن او به عالم اتحاد و پیوستگی، یا به عبارت دیگر زمان مناسک گذر انسان از پراکندگی و گسیختگی به تجمع و پیوستگی است. بنابراین دگرگونی طبیعت در گردش سال و نقش و تاثیر آن در زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم موجب بروز واکنشهایی در میان مردم جامعه هایی گوناگون شده است. این واکنشهای مجموعه ای از آئین ها و آداب را در میان گروه های اجتماعی مردم پدید آورده است که به هنگام نوروز و جشن باز زایی و آفرینش دوباره طبیعت به نمایش در می آیند.

در ایران آئینهای نوروزی با گردش دسته های نوروزی خوان در محله ها و کوچه ها و خیابانها آغاز می شود. دسته های نوروزی از چند روز پیش از فرا رسیدن سال نو راه می افتند و با ترانه خوانی و دست افشانی و مسخرگی رفتن زمستان و آمدن بهار را به مردم مژده می دهند و آنها را برای استقبال مولود تازه طبیعت بر می انگیزانند کهنترین پیکهای نوروزی دسته های آتش افروز بودند، که در دهه های اخیر جای خود را به دسته های حاجی فیروز داده اند، آتش افروزها خود را به شکلهای گوناگون می آراستند و به میان مردم می آمدند. یکی از آنها صورت و گردن خود را سیاه می کرد، جامه سرخ و رنگین می پوشید، و کلاهی بوقی یا شیپوری به سر می گذاشت، و مشعلی به دست می گرفت. یکی دیگر نقابی سیاه به صورت می زد و چانه خمیری روی سر می گذاشت و روی آن فتلیه ای آغشته به نفت آتش می زد. بازیگران دیگر دسته آتش افروز نیز هر یک به گونه ای خود را آرایش می کردند و همراه با نوای تنبک و

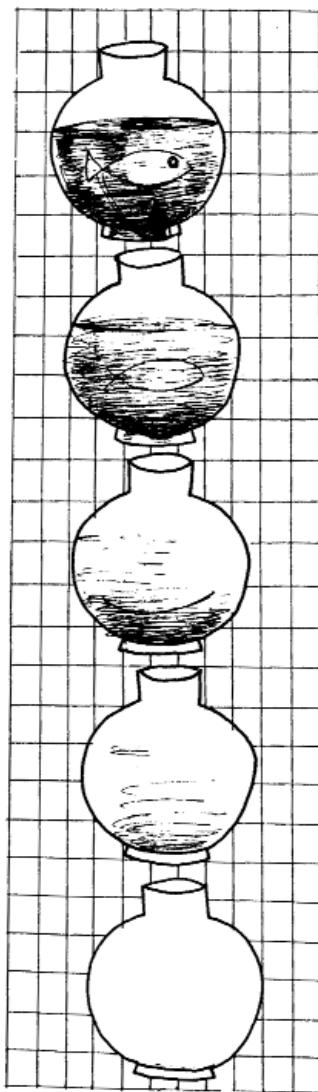


نمایشهای میدانی مانند مراسم کشتی گیری میان پهلووانان، راه انداختن دسته "میر نوروزی" با "خان سیزده روزه" و بازیهای مانند شکستن تخم مرغ است. این نمایشها و بازیها همه در مجموعه ای از رفتارهای آئینی نمادی قرار می گیرند که به صورتهای کمابیش همانند در بیشتر جامعه های جهان به هنگام گردش سال کهنه به سال نو و دوره فروپاشی موقت نظم زندگی آشکار می گردند. هر یک از این آئینها نیز نشانه و یادواره ای است از اسطوره های وابسته به مرگ و حیات و نازایی و زایایی و ایستایی و پویایی، در فرهنگ اجتماعات انسانی.

سیزده فروردین روز پایان دوره جشنهای نوروزی است. مردم در این روز از خانه ها بیرون و به دشت و سحرا می روند تا آخرین روز خود را در طبیعت و بکر و در کنار آب روان جویبارها و زیر سایه درختان و روی چمنزارها بگذرانند و به شادیها و خوشیهای دوازده روزه جلا ببخشند. روز گذشته مردم در روز سیزده قید و بندی برای رفتارهای خود نمی پذیرفتند و با پرخوریها و هوسبازیها و شادخوارگیها نظم و قرارهای اجتماعی را بر هم می زدند و به جد آشوب و آشفتگیهای در زندگی پدید می آوردند که گاه برای آنها شکون نداشت و نحسی آن روز گریبانشان را می گرفت. از این رو سیزده نوروز را نحس و بدشگون می پنداشتند و ناخجستگی آن را به شماره سیزده شمول می دادند.

میان آنها است. در میان چینیهای پکن، آخرین خوراک روز آخر سال چینی نقش و هدفی را در جمع کردن اعضای خانواده به گرد هم دارد، این خوراک حتی آنها یی را که با هم اختلاف دارند و از هم جدا زندگی می کنند به گرد هم فراهم می آورد.

از آئینهای دیگر نوروزی بعضی



در خانه های خود به سر برند. این آئین با آئین "فروردگان" زرتشتی، و شب رعائت مسلمانان و یکشنبه اموات مسیحیان مشابهت بسیار زیاد دارد. مردم هند و چین نیز چنین می پندارند که دوره نوگشت سال که زمان گسستگی کارهاست مردگان از گورهای خود بیرون می آیند و و گورستانها را ترک میکنند و به جهان زندگی می آیند تا در جشن آنها شرکت کنند و طعم و مزه زندگی خاکی باز بچشند.

از مهمترین آداب جشن نوروز گستردن خوان نوروزی یا سفره هفت سین و چیدن آینه، قرآن، شمع یا چراغ، جامی پر از آب با یک ماهی سرخ یا یک نارنج یا چند برگ سبز شمشاد شناور در آن، اسپند، تخم مرغ پخته نقاشی یا رنگ شده، انار، سیب، نان و سبزی و... روی خوان است. هفت سین شامل هفت گونه خوراکی است که حرف اول نام هر یک از آنها با سین شروع می شود در بعضی نقاط ایران سفره نوروزی را با هفت خوراکی که حرف اول آنها با شین یا میم شروع می شود، می آریند. هر یک از اشیای چیده شده بر روی خوان معنا و مفهومی نمادی دارد. مثلا آینه مظهر پاکی و خوش بختی است، شمع و چراغ نشانه فروغ و گرمی، تخم مرغ مظهر آفرینش، آب و ماهی مظهر زندگی و حیات، سبزه نشانه رویش، و...

هنگام تحویل سال همه اعضای خانواده گرد خوان می نشینند و گردش سال را در جمع هم می گذرانند تا در سالی که در پیش دارند از خانه و زندگی و عزیزان خود آواره و دور نگردند. نقش و اهمیت سفره نوروزی گرد آوردن همه اعضای خانواده به دور هم و ایجاد همبستگی در



انسان و درخت



انسان، درخت
پیوند پا ریشه و آب و خاک
با من بزرگ شد
با من درخت شد
این سرکشیده سبز تناور
من در کنار او
با برگ سبز تحفه درویشی
هر سال میزبان بهاران بودیم
او با لبان باز جوانه

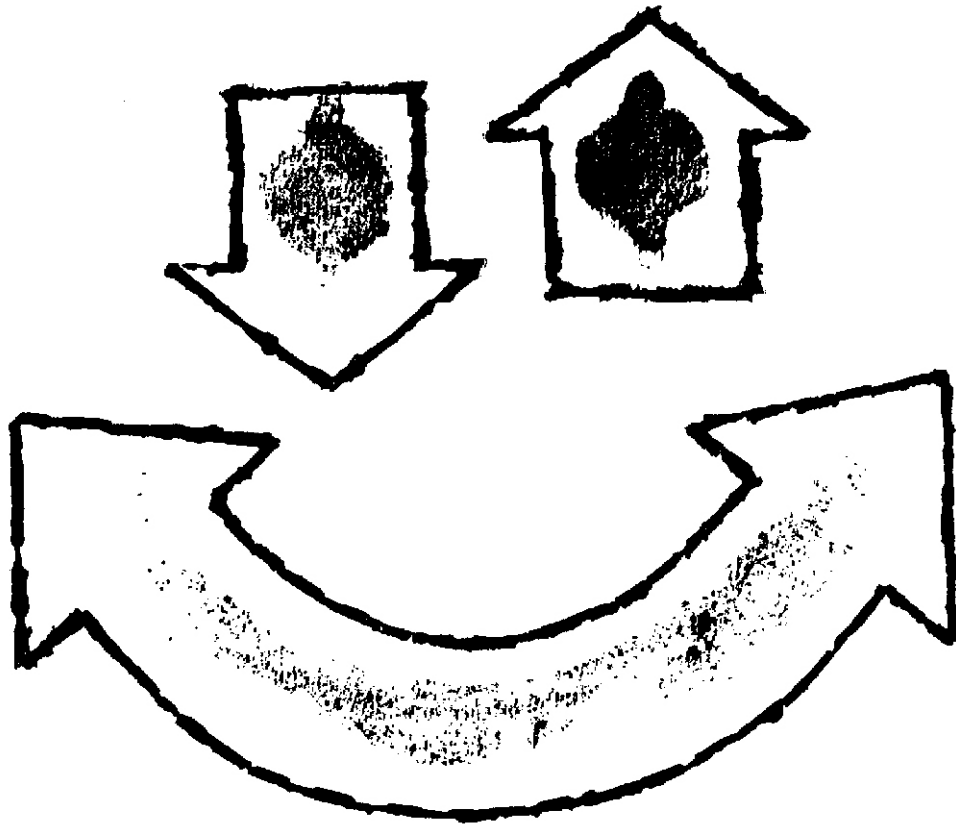
می خواند شعر سبز شکفتن را
شعر تر نگفته من بود
بر برگ برگ دفتر دستانش
با گشتی و بهاری و سالی
اینک هزار سال گذشته است
من پیر سال و ما هم و او پیر سال و ماه
آه!

- بانگی نه بر مراد:
گوارا باد -
او،
در باور درختی خود زنده است
من، نعره ام، شکسته
شکسته!

بسته!
او سبز می شود
با شاخه های نورس فریاد
اما،
شعر تر نگفته من نیست
بر برگ برگ دفتر دستانش
شعر مرا هجوم کلاغان ر بوده اند
اینک هزار سال گذشته است
هر سال، هر بهار
او سبز می شود
من خشک می شود
- من، قامت خزان زده انسان -

من با عصای خاطره هر روز، بارها
بر سفره گشاده او،
سایه سارها
بر لحظه های زنده او تکیه می زنم





خانه ی من، زمین ما

پژوهشگران آینده نگر، مرتباً متذکر می شوند که در آینده، به جای جنگ بر سر نفت، جنگها به دلیل کمبود به وجود خواهند آمد.

چند سال پیش برای ایجاد صرفه جویی در آب، اداره ی آب و برق لوس آنجلس اعلام کرد که هر بار با کشیدن سیفون توالت، مقدار چهار گالن آب از دست می رود و برای تقلیل این مقدار، اداره ی آب و برق، پیشنهاد کرد که اگر مردم توالتهایی با سیستمهای استاندارد که به آب کمتری برای ذخیره نیازمند است تهیه کنند، آن اداره مبلغ صد دلار، به عنوان پاداش به آنها پرداخت خواهد کرد.

من از این کار استقبال کردم و خوشبختانه می بینم که این روزها در آپارتمان های تازه ساز نیز این امر، اجرا

من یکی از این ربطها را کشف کرده ام و آن "آب" است.

وقتی که ما از آب استفاده می کنیم آیا می دانیم که سرچشمه ی آن کجاست، چگونه تهیه می شود و در اختیار ما قرار می گیرد؟. شاید اگر به این مسئله بیشتر فکر کنیم، و از مشکلاتی که کمبود "آب" در آینده برای ما ایجاد خواهد کرد آگاه شویم، با دقت بیشتری در مصرف این مایه ی حیات، از آن استفاده خواهیم کرد.

هیچ می دانیم که مقدار آب، بر روی این کره ی خاکی محدود است؟. با توجه به رشد روز افزون جمعیت روی زمین، در آینده فرزندان ما، نسل های بعدی، با مشکلات فراوانی در اثر کم آبی، مواجه خواهند شد.

کارشناسان و مسئولان محیط زیست و

آیا خانه ی من همین چاردیواری است که هر بامداد را در زیر سقف آن آغاز می کنم و شب هنگام در آن به خواب می روم؟. خانه ی من آیا جایی است که در آن روزهای خود را سپری می کنم، غذا می خورم، ظرف می شویم و در آن محیطی آسوده برای همسر و فرزندانم می سازم؟.

آری بدون شک خانه ی من همه ی این خصوصیات را داراست اما، همه ی ما انسانها مشترکاً در خانه ی بزرگتری زندگی می کنیم به نام "زمین". و همیشه این سؤال در ذهن من تکرار می شود که آیا ما از خانه ی بزرگمان هم به همان نسبت محافظت می کنیم که از خانه ی کوچکمان؟.

و این دو خانه چگونه به هم ربط پیدا می کنند؟



استفاده ی دوباره از آبی که من سبزیجات را در آن می شویم، همین است که گاهی تخم یکی از این سبزیجات در خاک گلدان می گیرد و مرا با ثمره ی خود شاد می کند.

حالا چند پیشنهاد را برای صرفه جوئی در آب مطرح می کنم که امیدوارم به آن عمل کنید.

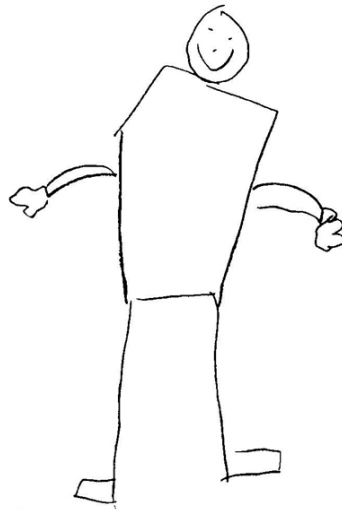
برای مسواک زدن، شیر آب را باز نگذارید و از لیوان کوچکی برای شستن دهان استفاده کنید.

آقایان محترم برای ریش تراشیدن روزانه، احتیاج به آب فراوان ندارند و مقدار اندکی آب، در یک کاسه ی کوچک لعابی، نیاز آنها را بر طرف خواهد ساخت.

ماشین ظرفشویی، آب کمتری را هدر می دهد. همیشه آنرا به اندازه ی گنجایش، پر کنید و بر روی درجه ی عادی، ظرفهایتان را بشوئید.

حرفهای من ادامه خواهد داشت. به امید آنکه زمینی سالم و محیطی دلچسب تر داشته باشیم.

پروین

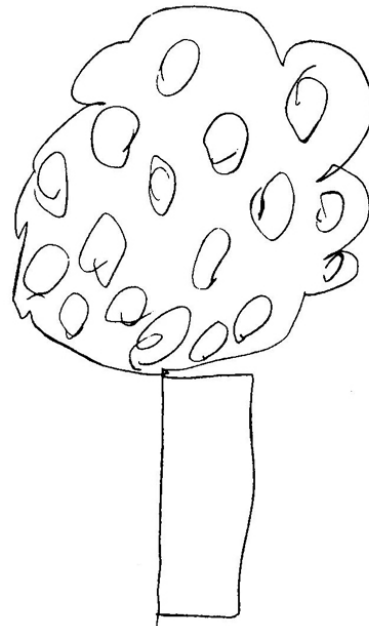


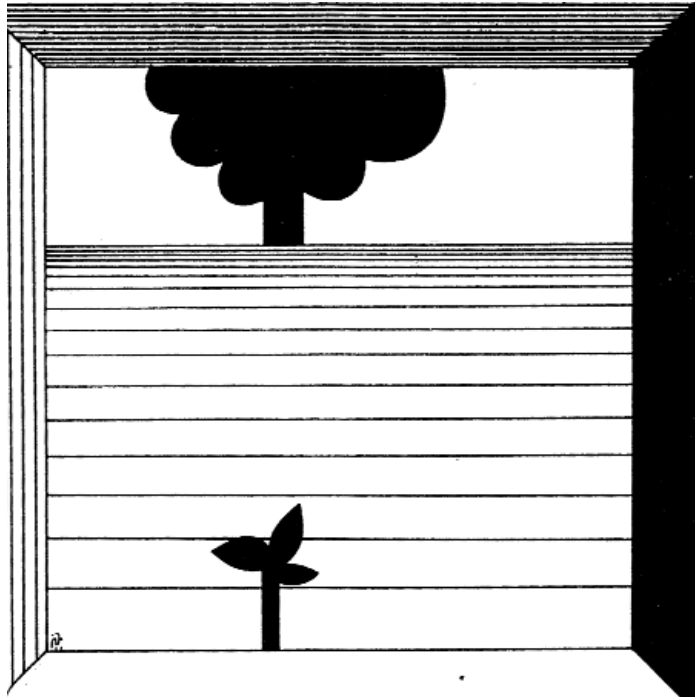
می خواهم سبزیجاتی را که برای خوراک روزانه تهیه کرده ام بشویم، آنها را در کاسه ی بزرگ پر آبی قرار می دهم و پس از انتقالشان به ظرف صافی، گلدان ها را با آب مانده در کاسه، سیراب می کنم. این کار به نظر دشوار می آید اما اگر به صورت عادت انجام شود، از دشواری آن کاسته خواهد شد. به خصوص که اتفاقهای جالبی هم در این رهگذر می افتد. مثلا پارسال به خاطر همین عمل من، یک دفعه توی یکی از گلدانهای روی بالکن خانه ی ما، بوته ی خیار سبز شد. امسال هم گوجه فرنگی داریم بدون آنکه آنرا کاشته باشیم. بهره ی

می شود. شما خود قضاوت کنید که موضوع کم آبی تا چه اندازه می تواند اهمیت داشته باشد که کمپانی آب، به افرادی که در این زمینه همکاری می کنند پاداش می دهد.

اقرار می کنم که من در مصرف آب، آدم خسیسی هستم اما از این بابت به هیچ وجه شرمنده نیستم زیرا نوه ی کوچولوی شیرینم را آنقدر دوست دارم که دلم نمی خواهد او در سنین من، گرفتار قحطی آب شود و تشنه بماند.

عزیزان من، خانمها و آقایان محترم ایرانی، به علت توجه و تجاریم در مسائل محیط زیست، به علت آنکه هشدارهای کارشناسان را در این زمینه به گوش می سپارم و به راه کارهای آنها عمل می کنم، یاد گرفته ام که چگونه از زوایای گوناگون، با آلودگی محیط زیست مبارزه کنم و با صرفه جویی های به گاه، محیطی سالمتر برای آیندگان بسازم. من یاد گرفته ام که در مورد آب و توجه در مصرف آن، همان اهمیتی را قائل شوم که به دستبند طلای گرانقیمتی که در دست دارم و آن را آنچنان حیاتی می دانم که غذای سالمی که هر روز برای خانواده ام تهیه می کنم هر روز هم با خود می گویم که باید قدر این موهبت گوارا را که از طبیعت به ما می رسد بدانم و آن را بیهوده هدر ندهم. به همین جهت و برای مثال، هنگامی که





راز جنگل

سبز

عدم موفقیت ایران در کاهش تصاعد گازهای گلخانه‌ای

همایون خیری

رشد جمعیتی و تغییرات اقلیمی پرداخته شده کاهش میزان گازهای گلخانه‌ای از طریق برنامه REDD یکی از کارآمدترین روش‌های کاهش اثر تصاعد گازهای گلخانه‌ای است. علت کارآمدی این برنامه عبارت است از این که علیرغم تفاوت‌های بنیادین در شیوه‌های کاهش میزان گازهای گلخانه‌ای میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه، یکی از نقاط مشترک میان این کشورها تلاش برای حفاظت از جنگل‌هاست. ایده اولیه کاهش گازهای گلخانه‌ای از طریق جنگلکاری و جلوگیری از قطع درختان جنگلی که تحت عنوان REDD شناخته می‌شود در سال ۲۰۰۵ و در جریان یازدهمین کنفرانس گروه‌های کاری (COP11) توسط دو کشور کستاریکا و پاپوآ گینه نو مطرح شد و تهیه دستورالعمل‌های اجرایی آن در جریان همایش کپنهاگ (COP51) مورد بررسی قرار گرفت. گزارش سازمان بین‌المللی اثر جمعیتی به مؤلفه‌های مختلف برای اثبات

گزارش سازمان بین‌المللی اثر جمعیتی که در ژانویه ۲۰۱۰ منتشر شده نشان می‌دهد عدم موفقیت ایران در زمینه کاهش تصاعد گازهای گلخانه‌ای و فقدان برنامه‌ریزی روشن در مورد توسعه جنگلی در آینده نه‌چندان دور منجر به افزایش جرایم مالی حاصل از تصاعد بیشتر گازهای گلخانه‌ای خواهد شد و بار مالی مضاعفی بر دوش دولت ایران خواهد گذاشت. جدیدترین گزارش سازمان بین‌المللی اثر جمعیتی (International Population Action) که به دنبال کنفرانس بین‌المللی تغییرات اقلیمی کپنهاگ منتشر شده نشان می‌دهد با رشد ۱/۲ درصدی جمعیت ایران این کشور در سال ۲۰۵۰ میلادی بین ۸۳/۵ تا ۱۱۲/۱ میلیون جمعیت خواهد داشت. بر اساس این گزارش جمعیت ایران در حال حاضر ۵۷/۱ میلیون نفر است و نیاز به توسعه‌ی مناطق جنگلی در این کشور رو به افزایش است. در این گزارش که به جزئیات وضعیت کشورهای مختلف جهان از جنبه‌ی

وسعت جنگل‌های ایران در تمام عرصه‌های زیست محیطی به چیزی حدود ۳ میلیون و چهارصد هزار هکتار می‌رسد که عمده آن در دامنه‌های شمالی کوه‌های البرز و استان‌های ساحلی دریای مازندران قرار گرفته‌اند با این همه، رشد جمعیت در سه دهه گذشته باعث شده بخش بزرگی از جنگل‌های ایران دستخوش تغییر شوند. تغییر کاربری اراضی جنگلی در ایران محسوس‌ترین شکل تغییر ساختاری جنگل‌های ایران است. علیرغم این که استحصال از منابع جنگلی و کاشت جایگزین پدیده‌های جدیدی نیستند اما برنامه‌ریزی برای کاهش تصاعد گازهای گلخانه‌ای از طریق توسعه جنگلکاری یکی از جدیدترین اقدامات بین‌المللی است که انتظار می‌رود در مجموع به کاهش اثر گازهای گلخانه‌ای منجر شود. نکته‌ی قابل توجه در توسعه جنگلکاری این است که بار مالی حاصل از تصاعد بیش از مقدار تعیین شده برای هر کشور را کاهش می‌دهد.



چیزی در حدود نصف ایران است. اما جنگلکاری در عراق به طور سالانه افزایش دارد و به یک دهم درصد می‌رسد.

برنامه تجارت بین‌المللی گازهای گلخانه‌ای که از سال ۲۰۱۳ به مورد اجرا گذاشته می‌شود به کشورهای مختلف جهان اجازه خواهد داد نسبت مشخصی از گازهای گلخانه‌ای را به جو زمین متصاعد کنند. افزایش گازهای گلخانه‌ای بیش از میزان تعیین شده برای هر کشور منجر به ثبت جریمه نقدی برای آن کشور خواهد شد. به همین دلیل افزایش مساحت جنگل‌ها می‌تواند منجر به جذب بیشتر گازهای گلخانه‌ای و کاهش جرایم مالی ناشی از تصاعد گازهای گلخانه‌ای شود.

ناکامی ایران در توسعه فضای جنگلی منجر به افزایش بیش از حد مجاز گازهای گلخانه‌ای خواهد شد که در نتیجه این کشور را مشمول جرایم بین‌المللی خواهد کرد.

سایت سازمان:

www.productionaction.com

اردن است. در واقع در ایران نه تنها خودروهای کمتر، گاز دی‌اکسید کربن بیشتری تولید می‌کنند بلکه برای جبران همین میزان گاز تولید شده نیز برنامه‌ای برای افزایش مساحت جنگل‌ها وجود ندارد.

نزدیک‌ترین آمار انتشار گاز دی‌اکسید کربن در میان کشورهای همسایه ایران مربوط به ترکیه و عراق است که به ترتیب ۵۷/۷ و ۳۱/۵ میلیون نفر جمعیت را در خود جای داده‌اند. در ترکیه به ازای هر هزار نفر جمعیت ۶۶/۵ دستگاه خودرو وجود دارد و میزان دی‌اکسید کربن به ازای هر نفر در سال ۳/۱ تن است. با وجود این که در ترکیه تعداد بیشتری خودرو و دی‌اکسید کربن کمتری وجود دارد اما در این کشور میزان افزایش سالانه مساحت جنگل‌ها به دو دهم درصد می‌رسد. در عراق نیز به ازای هر هزار نفر جمعیت ۳۶/۳ دستگاه خودرو وجود دارد که حدود ۶ درصد بیشتر از ایران است اما میزان تولید گاز دی‌اکسید کربن در عراق به ازای هر نفر در سال به ۳/۲ تن می‌رسد که در حقیقت

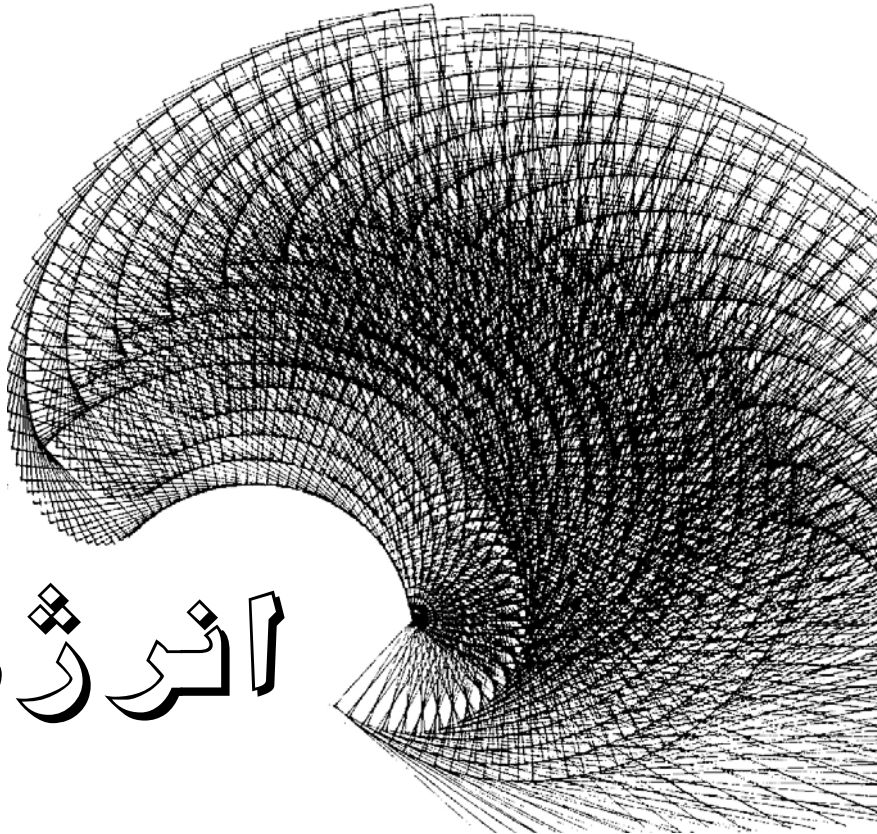
ضرورت تلاش برای گسترش فضاهای جنگلی در ایران اشاره می‌کند. به عنوان مثال با وجود این که تعداد خودرو در ایران به ازای هر هزار نفر ۲۹/۹ دستگاه خودرو است اما میزان تصاعد دی‌اکسید کربن به ازای هر نفر در سال به ۶/۶ تن می‌رسد. آمارهای موجود در این گزارش نشان می‌دهد میزان تصاعد دی‌اکسید کربن در کشورهای فقیرتر آسیا نظیر اردن در حدود نصف ایران است و این در حالی است که با وجود جمعیت کمتر اردن (۶/۵ میلیون نفر) اما نسبت خودرو به جمعیت در این کشور سه برابر ایران است و به ۶۷ دستگاه به ازای هر هزار نفر جمعیت می‌رسد.

نکته‌ی قابل توجه در این گزارش و در مقایسه‌ی میان ایران و اردن موضوع افزایش سالانه مساحت جنگل‌هاست که در هر دو کشور به صفر می‌رسد. وضعیت جنگلکاری در ایران از جنبه‌ی آماری به آنچه در اراضی فلسطینی رخ می‌دهد شباهت دارد چون در این مناطق نیز میزان جنگلکاری سالیانه صفر است. در حالی که تولید گازهای گلخانه‌ای در ایران به مراتب بیشتر





انرژی



تقریباً عموم مردم دنیا، به بحران انرژی در دنیا آگاهند و می دانند که طبق تحقیقات انجام یافته، ذخیره نفت جهان تا سال ۲۰۵۰ به حدود ۱۰٪ ذخیره کنونی تنزل می یابد و بشر به ناچار باید برای تولید انرژی، جایگزین هایی بیابد. ذخیره زغال سنگ هم تا همان سال یعنی ۲۰۵۰ به ۴۵٪ از ذخیره کنونی خواهد رسید. اکنون نگاهی خواهیم داشت به منابع دیگر تولید انرژی، اثری که روی محیط زیست میگذارند و مقدار ذخایر این منابع.

باید اینجا تأکید کنم که هر کدام از این منابع نکات مثبت ویا منفی متعددی دارند که استفاده از آنها را با شروطی توأم می سازد.

۱- منابع انرژی قابل تجدید یا Renewable Energy

انرژی هیدروالکتریک که حدود ۳٪ احتیاجات بشر را برآورده میکند، احتیاج به فشار آب فراوان سدها یا آبشارهای بزرگ دارد و اثرات منفی آن بر منابع طبیعی محدودیتهائی برای تولید

سال ۱۹۶۵ تا سال ۲۰۰۵ نسبت در صد استفاده از نفت ۲۵۰٪ زغال سنگ ۲۰۰٪ گاز طبیعی ۴۰۰٪ بیشتر شده است.

در حال حاضر اکثر مردم دنیا، برای تولید انرژی، از سوخت های فسیلی یا Fossil Fuel که شامل نفت، زغال سنگ و گاز طبیعی است استفاده می کنند و ۸۵٪ احتیاج بشر از این منابع تأمین میشوند.

منابع دیگر، مثل انرژی هسته ای، هیدروالکتریک، انرژی خورشیدی و دیگر منابع نیز، روی هم ۱۵٪ احتیاجات بشر را مهیا میکنند.

قابل تذکر است که در درجه ی اول، بیشتر گازها سمی هستند و به لایه های اوزون و اتمسفر فضا، صدمه میزنند مثل CO یا CO₂ و باعث ایجاد سموم گازهای گلخانه ای، house effect green میشوند که بر اثر استفاده از فراورده های نفتی و زغال سنگ، پدید می آیند.

در باب انرژی و حواشی آن، نظریه های علمی بسیار و راه کارهای اندک وجود دارد، آنچنان که ساعتها می توان پیرامون مقوله ی انرژی، به گفتگو نشست. مطالبی که از نظر شما خواهد گذشت گزینه ای است از آن چه که می توان به صورت اطلاعاتی قابل درک همگان، در اختیار این نشریه گذارد.

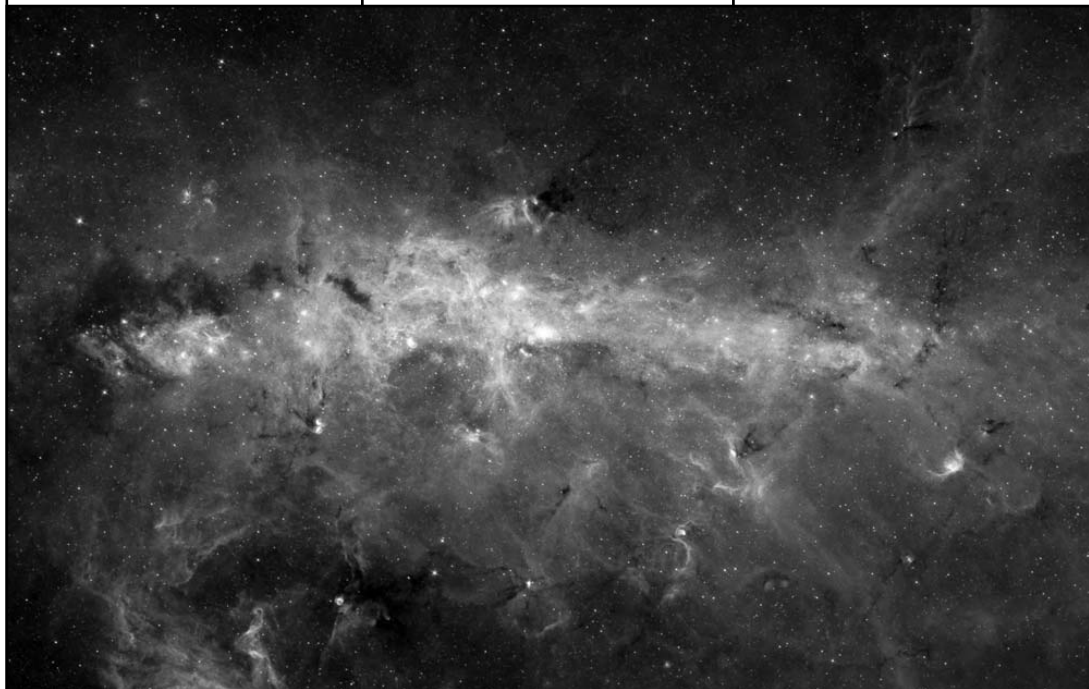
- ابتدا نگاهی خواهیم داشت به انواع منابع انرژی. سپس به آمار تولید و مصرف انرژی در دنیا و دو منبع جایگزین، که انرژی خورشیدی و هسته ای هستند - میپردازیم و با یک جمع بندی مختصر و با در نظر گرفتن این پرسش که مصرف بی دریغ انرژی موجود، بشر را به کدام سمت و سو می کشاند و چگونه میباید با این معضل جهانی مبارزه کرد - موضوع مورد بحث را، بررسی می کنیم.

- با گذشت زمان و پیشرفت بشر در زمینه های گونه گون، نیاز به تولید انرژی به صورتی مبسوط، رو به افزایش است.

برای مثال در طول ۴۰ سال گذشته از



| | | |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>شهرستان کوچک را برق رسانی کرد.</p> <p>■ مدل جدیدی که در حال تکمیل است و من نیز در حال حاضر بر روی پروژه ی آن کار می کنم - قادر است برق بیشتری را بین ۵۰ تا ۲۰۰ مگاوات تولید کند. این نیروگاه هم از هزاران پانل (Panel) آئینه که به آنها Heliostat گفته می شود و در دایره ای به قطر حدود ۳ تا ۴ کیلومتر نصب شده است یاری می گیرد و کار آن تمرکز نور خورشید بر روی برجی است که در کانون این دایره قرار دارد.</p> <p>مدلهای کوچکتر این نوع نیروگاه،</p> | <p>میسر است که از آن برای ایستگاه فضائی بین المللی ویا بسیاری از ماهواره ها یا Satelliteها نیز استفاده میشود. این گونه پنل ها را گاه روی سقف بعضی از خانه ها در آمریکا می بینیم که برای جذب انرژی خورشیدی نصب گشته اند. البته نیروی برقی که از این طریق کسب می شود محدود است. برای تولید برق زیاد، به مساحتی وسیع در زمینی مسطح نیاز است تا بتوان Panel ها را بر آن جای داد. همچنین دقت در نگهداری آنها و ممانعت از</p> | <p>این نوع انرژی می سازد.</p> <p>-انرژی Bio mass or Bio Fuel که همان استفاده از چوب و مواد سوختی به وسیله ی گیاهان است، در حدود ۴٪ احتیاجات بشر را تأمین میکند.</p> <p>-نیروی انرژی باد، یا Wind Power حدود ۰.۳٪ تا حدودی نیازهای تولید انرژی را بر آورده میکند. البته این نوع انرژی، احتیاج به ناحیه هائی دارد که جریان باد در آن به وفور انجام می گیرد و فقط در آن نواحی استفاده از Mills Wind موثر است.</p> <p>- انرژی Geothermal که همان</p> |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|



| | | |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>درسالهای ۹۰ در کالیفرنیا آزمایش شدند که تا اندازه زیادی هم موفق بودند. یکی از اولین کشورهائی که خواهان چنین نیروگاههائی شده دولت اسپانیا است. اسپانیا در نظر دارد که یک نیروگاه ۵۰ مگاواتی را تا چند سال دیگر آزمایش کند.</p> <p>چند مورد که باعث محدودیت استفاده از انرژی هسته ای میشوند عبارتند از:</p> <p>۱- این نیروگاهها فقط در مواقعی میتوانند سودمند باشند که نور خورشید به اندازه کافی موجود است. با وجود هوای ابری یا در طول تاریکی شب، استفاده از این نیروگاهها ناممکن است. در فصل زمستان یا در مناطق</p> | <p>آلودگیشان نیز ضروری است.</p> <p>۲- با انرژی خورشیدی می توان توربین ها و ژنراتورها را بکار انداخت و به این طریق تولید برق نمود.</p> <p>■ مدل اولی که در حال حاضر در چند کشور از جمله اسپانیا متداول است، نیروگاههائی هستند که از چندین هزار آئینه استفاده میکنند. کار آنها متمرکز ساختن نور خورشید و ایجاد بخار آب است که فشار بخار آب یک توربین و ژنراتور را به حرکت وا می دارد و تولید نیروی برق می کند. در حال حاضر، این نوع نیروگاهها در حدود ۱۰ مگاوات یا ۱۰ هزار کیلووات برق تولید میکنند که با آن می توان یک دهکده بزرگ یا یک</p> | <p>استفاده از حرارت ذخیره شده داخل زمین است در حدود ۳.۰٪ از احتیاجات ما را تأمین میکند و مسائل جغرافیائی و اقتصادی فراوانی وجود دارند که موجب محدودیتهایی در جهت استفاده از آن می شود.</p> <p>-پس می شود گفت که مهم ترین منبع انرژی قابل تجدید یا Renewable Energy یا انرژی خورشیدی است.</p> <p># راههای استفاده از انرژی خورشیدی برای تولید برق به دو گونه است.</p> <p>۱- تبدیل انرژی خورشیدی به برق و امکان استفاده ی مستقیم از آن، با یاری گرفتن از تکنولوژی Photo Voltoic</p> |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|



راکتورها را در کارخانه های مخصوص، تجزیه کنند تا بتوانند مواد رادیواکتیو اضافه را از مواد قابل استفاده جدا سازند. این کارخانه ها با عنوان Fuel Reprocessing Plant سبب میشوند که زباله های اتمی به نسبتی عظیم کاهش داده شوند. تحقیقات فراوانی در جریان است تا بتوانند، نیمه عمر Half life عنصرهای رادیواکتیو غیر قابل استفاده را (بعضی از اینها نیم عمر شان به میلیونها سال میرسد) با فشار لیزرهای قوی، به عنصرها یا ایزوتوپهایی کوتاه عمر، تبدیل کنند.

خلاصه مطالب و نتیجه گیری

حقیقت این است که بشر نمی تواند فقط به یک منبع بخصوص انرژی، برای رفع احتیاجات خود بسنده کند لاجرم ناچار خواهد بود که منابع دیگری را که به پاکیزه کردن محیط زیست نیز کمک خواهند کرد، مورد شناسائی و استفاده قرار دهد از جمله:

۱- تعویض انرژی فسیلی Fuel Fossil به انرژی های تمیز تر مثل انرژی هسته ای، انرژی خورشیدی و

دو هزار مگاوات را به حرکت در آورده و تولید برق می کند.

لازم به یادآوری است که سوخت داخل این راکتورها (که بیشتر از آب سبک برای خنک شدن استفاده میکنند) در حدود ۲ تا ۴ در صد اورانیوم غنی شده در خود دارد. این مقدار در راکتور اورانیوم ۲۳۵ موجود است که موجب ترکیدن هسته بوسیله یک نوترون میشود و تولید انرژی میکند. این راکتورها را، راکتورهای آب سبک Light Water Radiator میگویند و تقریباً غالب راکتورهای موجود، از این تکنولوژی استفاده میکنند.

البته راکتورهای ویژه ای هم هستند که از 932PU برای تولید انرژی استفاده میکنند و چون در این نوع راکتورها، اورانیوم 832U موجود در راکتور را به 932PU تبدیل می کند - سوخت بیشتری برای راکتور، مهیا می شود که به آنها می گویند: راکتورهای مولد یا Breeder Reactor

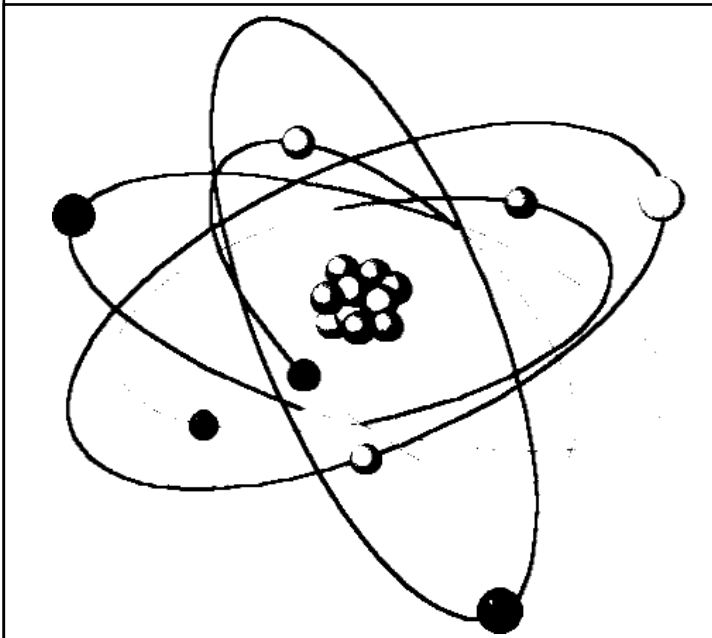
اشکال اصلی راکتورهای اتمی بیشتر به خاطر تولید زباله های اتمی رادیواکتیو است. متأسفانه در کشورهایی مثل آمریکا دولت اجازه نمیدهد که سوخت

سردسیر، استفاده از این نیروگاهها مشکلتر می باشد.

۲- به دلیل هزینه های سنگین، هنوز بسیاری از اماکن نتوانسته اند چنین نیروگاههایی دایر کنند.

منبع مهم دیگری که برای تولید انرژی مورد استفاده قرار می گیرد، انرژی اتمی یا هسته ای نامیده می شود. انرژی هسته ای نه تنها برای تولید برق که برای مصارف پزشکی بسیاری نیز مورد نیاز است. نگهداری مواد غذایی یا Food Irradiation هم از این طریق عملی می گردد. متأسفانه این نوع انرژی، به دلیل نیروی تخریبی فراوان، به صورت سلاحهای هسته ای نیز در آمده است اما ما در این مقاله فقط به نیروی آن، در تولید برق می پردازیم.

عمل انرژی هسته ای که در بیشتر نیروگاههای اتمی از آن استفاده میشود به این گونه است که با ترکیدن هسته 532u یا 932pu انرژی و حرارت ایجاد شده، به دستگاه آب خنک کننده ای که از کنار این عناصر می گذرند منتقل، آب را که حرارت آن، چند صد درجه بالاتر رفته است به بخار تبدیل و در نتیجه توربین هایی به میزان بالغ بر



انرژی های دیگر قابل تجدید .

Renewable

۲- جایگزین نمودن نیروگاههای قدیمی فسیلی با نیروگاههای جدید فسیلی که باعث تولید کمتر گازهای سمی گلخانه ای Green House Gasses می شوند.

۳- استفاده صحیح از نیروی انرژی هسته ای و تلاش در یافتن راه کارهای منطقی، برای کم کردن زباله های اتمی. ساختن Breeder Reactor و توان تامین سوخت از طریق 932 pu .

۴- تحقیق بیشتر راجع به استفاده از Fusion برای تولید انرژی.

۵- سازه هایی که از انرژی خورشیدی نیرو می گیرند و استفاده ی بیشتر از آنها.

چه کارهایی یک یک ما میتوانیم انجام دهیم:

- انرژی معدنی مثل برق یا بنزین یا بنزین را تا حد امکان کاهش دهیم.

- مصرف برق را در منازل، به حداقل برسانیم. از روشن نگاه داشتن تلویزیون، کامپیوتر و لامپ های اضافه در مواقعی که مورد نیاز نیستند خودداری کنیم.

- طی کردن مسافت های کوتاه از طریق پیاده روی، استفاده از دوچرخه یا وسایل نقلیه ی همگانی ، به کاهش

بار مصرف، چند بار استفاده کنیم. این امر به کاهش تولید مواد مضر و از میان برداشتن آنها، کمک میکند.

برای کسب اطلاعات بیشتر پیرامون انرژی خورشیدی یا هسته ای میتوانید با masoudazizi@yahoo.com تماس حاصل کنید.

همچنین توصیه می کنم برای آگاهی های بیشتر به مقاله هایی که در این زمینه بر روی سایت های اینترنتی قرار دارند مراجعه شود.

آلودگی هوا کمک و در نتیجه از ازدیاد گازهای سمی در تراکم ترافیک ، جلو گیری می کند.

- در صورت استفاده از بخاری یا Air Conditioner با تنظیم درست درجه ی حرارت و ایزوله کردن دیوارها و پنجره ها ، بکوشیم که از به هدر دادن انرژی خودداری کنیم.

- کم کردن مصرف مواد اضافی در خانه ، مدرسه یا محل کار از قبیل مواد پلاستیکی ، اسباب بازی بچه ها و غیره. - از یک وسیله غذا خوری مثل بشقاب، قاشق و چنگال (پلاستیکی) یا لیوان یک

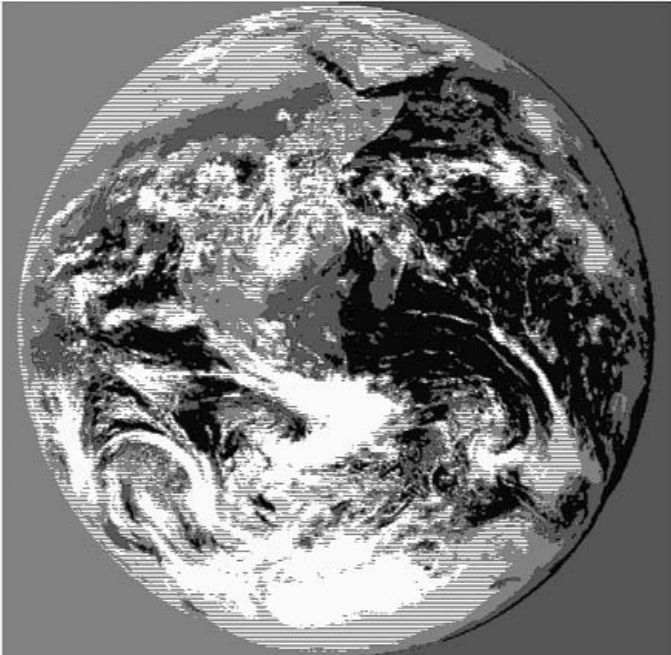


KIRN670AMRADIOIRAN

www.670amkirn.com

3301 Barham Blvd. Los Angeles, CA 90068

T: (323)-851-5476 F: (323)-512-7452



COPEN HAGEN

خبرهای دست اول کنفرانس را برای تهیه ی گزارشی، یادداشت کنم، سفر را آغاز کرده بودم. اصل قضیه هم جز این نبود و من برای شرکت در کنفرانسی رنج سفر را به جان خریدم که جنبه های جهانی داشت. کنفرانسی که قرار بود تا حدودی تکلیف دنیا را در برابر افزایش روز افزون گرمایش زمین روشن کند. آتشی که نمی خواهیم در آینده دودش چشم همه ی ما را بسوزاند.

به هر رو دلم می خواست زودتر به هتل برسم و پس از استراحتی، مثل قهرمان قصه ی Avatar بروم برای نجات زمین.

تشریفات گمرکی در پاریس انجام شده بود و ما مسافران خیلی سریع به محوطه اصلی فرودگاه رسیدیم. اولین چیزی که به شدت جلب نظر می کرد تابلوی عظیمی بود که بر روی آن این عبارت دیده می شد "از گرمایش زمین جلوگیری

وقتی که هواپیمای غول پیکر S.R.S شرکت هواپیمائی اسکاندیناوی آماده فرود در فرودگاه بین المللی کپنهاگ شد به ساعت نگاه کردم و دیدم که بیست و چند ساعت از عمرم در راه رسیدن به این مکان گذشته است.

هیچ شرکت هوائی از لوس آنجلس به کپنهاگ، پرواز مستقیم ندارد از این رو سفر به این نقطه از جهان، طولانی تر از آن است که می باید. از چندی پیش دغدغه ی این سفر با من بود زیرا همه ی بلیطها برای این تاریخ بخصوص پیش فروش شده بودند و پیدا کردن یک جای خالی، مکافات بود که نپرس. همه ی اینها مرا آنچنان خسته کرده بود که به تنها چیزی که می اندیشیدم یک حمام گرم بود و چند ساعت بیهوشی در یک خواب راحت.

در این تصمیم، که با ورودم به کپنهاگ، تا آنجا که ممکن است

داهره های تنها یک زمین

اجلاس جهانی سازمان ملل برای جلوگیری از گرمایش زمین

گزارشی از



استفاده می کنند مبادا به پای مبارکشان بر بخورد. باری در سرمای شهر کوپنهاگ دختران و پسران جوان ، زنان و مردان میانسال و حتی کهنسال، همگی را سوار بر دوچرخه ها می بینید که در رفت و آمدند . هنگامی که هوا تاریک می شود زیباترین منظره را میشوید دید . هزاران نور زرد و سفید مثل ستاره های درخشان از چراغ های کوچک دوچرخه ها می تانید و زمین را مثل آسمان ، روشن می کند.

گذاشتند. به این دلیل بود که با وجود هزاران مهمان، تردد در شهر آسان می نمود . کارتهای عبور رایگان هم برای استفاده از وسائط حمل و نقل عمومی اعم از اتوبوس، ترن، مترو و غیره صادر کرده بودند که هزینه و دردسر بلیط خریدن را برای تازه واردان، کم می کرد. بیش از ۳۰ درصد مردم کپنهاگ از دوچرخه استفاده می کنند . مقررات حفاظت از دوچرخه سواران با دقت رعایت می شود و قوانین تخلف بر علیه

کنید" ، در طول راهروهای فرودگاه هم عکسهای بزرگی از رهبران امروز جهان دیدیم که با فتوشاپ چهره ی آنها را دستکاری کرده بودند . آنها را در این عکسها مخصوصا پیر کرده بودند تا منظرشان را در سال ۲۰۲۰ نشان دهند. انگیزه ی اینکار عجیب هم پیام پر طعنه و در آمیخته با عکسها بود . یعنی که رهبران کنونی جهان در آن سال از مردم دنیا عذرخواهی خواهند کرد که چرا امروز (۲۰۰۹) در کنفرانس Cop15 برای نجات زمین اقدام نکردند . به نظر



ناگفته نماند که در آن چند روزه، حسرت دیدن یک اتومبیل مرسدس بنز(که در لوس آنجلس فراوان است) را داشتم که بالاخره هنگام برگشتن، یک نمونه از آن را در نمایشگاهی داخل فرودگاه بزرگ و زیبای کپنهاگ دیدم . مردم در کنار آن می ایستادند و عکس یادگاری می گرفتند. بگذریم...

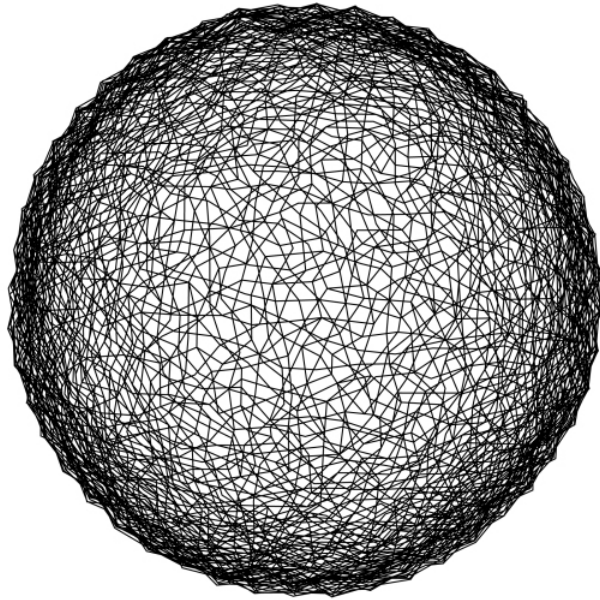
اما گزارش آغاز کنفرانس...

مراسم افتتاحیه کنفرانس، ساعت ۹ صبح در محل Bella Center آغاز شد . من ساعت ۶ صبح از هتل خارج شدم

آنها هم بسیار شدید است. در همه ی میدان ها ، خیابانها، برای رفتن به ادارات دولتی، دانشگاه ها، رستورانها و خلاصه همه جا، مردم را می بینید که از دوچرخه استفاده می کنند. در اینگونه مواقع است که آدم بیاد می آورد راحت طلبی های بی رویه ی خود را. من لوس آنجلس نشین، برای خرید یک شیشه شیر، می گردم که نزدیک ترین جای پارک را به در ورودی سوپر مارکت پیدا کنم . گاهی هم می بینیم که برخی از دوستان، از کارتهای معلولین (که این کارتها اکثرا با حقه بازی تهیه می شوند)

من زیباترین تصویر، عکس پیر شده پرزیدنت اوباما بود که او را در سال ۲۰۲۰ را نشان میداد.

کنفرانس جهانی کپنهاگ ، بزرگترین و مهمترین همایش ، در تاریخ اینگونه گردهم آئی ها بوده است به همین دلیل هم دولت ، مردم دانمارک و بویژه شهردار شهر کپنهاگ تمام کوشش خود را به کار گرفتند که شرکت کنندگان در این کنفرانس از رفاه کامل برخوردار گردند. برای نمونه، تعداد پر شماری دوچرخه تهیه شده بود که مجانی در اختیار شرکت کنندگان و متقاضیان می



COP15 COPENHAGEN

UNITED NATIONS CLIMATE CHANGE CONFERENCE 2009

طبیعت بود. ولی به نظر من دعوی اصلی سر لحاف ملانصرالدین بود وقتی که به تماشای نزاعی رفت و رندان ، بالاپوش او را دزدیدند. همه ی این سازمانهای ریز و درشت دولتی و شبه دولتی و غیره فقط آمده بودند که کلاهی از این نمذ بزرگ، برای سر خود بسازند و پولی بگیرند . طلبکار آمده بودند. بخصوص نمایندگان کشورهای در حال توسعه و به قولی فقیر و عقب مانده که خیال می کردند از همان روز اول چک خود را وصول خواهند کرد تا به نام مردم بیچاره کشورشان، احتمالاً به جیب گشاد خودشان بریزند. حال آنکه سران کشورهای صنعتی جهان دور هم جمع شده بودند تا با کمک یکدیگر، صندوقی ایجاد کنند با سرمایه اولیه ۱۰ میلیارد دلار و افزایش آن تا سال ۲۰۲۰ به میزان صد میلیارد دلار که از این محل به کشورهای فقیرتر کمک کنند تا آنها بتوانند با برنامه مبارزه با گرمایش زمین همکاری کنند. خانم Hedegarre

زمین که هر یک میخواستند از این فرصت طلائی برای انتشار پیام خود در گوش بیست هزار شرکت کننده استفاده کنند، روبرو شدم. صفحات تلویزیونی بسیار بزرگی، مراسم را برای آن دسته که اجازه ی ورود به اجلاس را نداشتند، پخش می کرد. جمعیت انبوهی در آن هوای سرد جمع شده بود تا در جریان کنفرانس قرار بگیرد. همه جا رنگ سبز بود و مرا به یاد بهترین فرزندان ایران زمین انداخت که زیر بهانه و پوشش "سبز" با دیکتاتوری و ظلم و شقاوت مبارزه می کنند و دست خالی، مثل کاوه آهنگر به نبرد ضحاک زمان و یارانش میروند. درود بر شرف همه ی سهراب ها، نداها، و گردآفریدها باد.

سر فصل کنفرانس، مبارزه با گرمایش زمین، آلودگی هوا، تهیه آب سالم برای همه شهروندان جهان، جلوگیری از آلودگی بیشتر کره زمین، پیش گیری از نابودی درختها، تشویق عموم مردم به کاشتن درخت و خلاصه توجه به مادر

و با آن که در طول ۲۸ ساعت، فقط حدود ۴ ساعت خوابیده بودم، سر حال و به شتاب خودم را به محل برگزاری مراسم رساندم و در کنار انبوهی از مردم با لباسهای گوناگون که از ۱۱۰ کشور جهان آمده و در یک صف طولانی ایستاده بودند، قرار گرفتم. از بودائیان تبتی با لباسهای سنتیشان گرفته تا نمایندگان قبایل آفریقایی، با کفشها و لباسهای مخصوص خودشان، زرد، سپید، آبی و بنفش و خلاصه یک وارایته جهانی بود. همه چیز منظم. مثل ساعت. البته غیر از مراسم افتتاحیه که دیرتر انجام شد آنهم به دلیل تعداد زیاد شرکت کننده.

Bella Center مجموعه عظیمی است با سالنهای متعدد و تسهیلات پیشرفته که در حومه شهر کپنهاگ به این منظور اختصاص یافته است. به محض آن که از مترو پیاده شدم مجدداً سیل تابلوهای بزرگ و کوچک را دیدم و با گروه های مخالف و موافق گرمایش



Connie یکی از وزیران کابینه دانمارک و رئیس کنفرانس، صراحتاً اعلام کرد که کشورهای ثروتمند برای ضیافت به آنجا دعوت نشده اند و هر یک متعهد به پرداخت مبلغی هستند، در غیر این صورت این گرد همائی هم به سرنوشت Kyoto و Bali دچار خواهد شد.

در بزرگترین کنفرانس جهانی مبارزه با گرمایش زمین در حدود ۲۰۰۰ نفر از طرفداران محیط زیست، شامل نمایندگان دولتها، وزیران بهداشت کشورهای مختلف، بازرگانان، دلالان سیاسی و نمایندگان رسانه های مهم جهان، از جمله نگارنده (از طرف 670 AM KIRN) شرکت داشتند.

نماینده دبیر کل سازمان ملل در رابطه با این پروژه رسماً اعلام کرد که کشورهای ثروتمند و یا به قول ایشان Rich مثل آمریکا موظفند که سالانه مبلغ ده میلیارد دلار برای کمک به این صندوق و نهایتاً سازمان ملل بدهند تا با تقسیم عادلانه ی این مبلغ در میان کشورهای فقیر، مبارزه با گرمایش زمین آغاز شود.

بوی پول به مشام گروهی رسیده بود به همین جهت کفش و کلاه کرده بودند، در کپنهاگ لنگر انداخته، مرتب میهمانی می دادند. لیموزینهای کوچک و بزرگ، میهمانان را به ضیافتهای آنچنانی می برد و من و امثال من هم که دل در گرو مادر طبیعت گذاشته و از سر دلسوزی و خدمت، قلمی، قدمی و یا رقمی به آن شهر رفته بودیم، سوار بر دوچرخه یا مترو دائماً به دنبال کسب اطلاعات برای نجات زمین بودیم. باید متذکر شوم که من در تمام طول این کنفرانس حتی به یک ایرانی شرکت کننده هم برخورد نکردم در حالی که تعداد زیادی از هیات های نمایندگی دولتی و شبه دولتی و غیر دولتی و علاقمندان به زمین را با بودجه های متناسب و پشتیبانان مالی بسیار قوی از تاجیکستان، افغانستان و غیره در آن محل دیدم. مایه ی بسی تاسف است که می بینیم ایرانی هائی را که برای کمک به پروژه های مذهبی، فرهنگی و غیره، هزاران دلار و گاهی صدها هزار

دلار مایه می گذارند (که بسیار هم خوب است) اما هنوز به آن درجه از آگاهی نرسیده اند که به پروژه هایی از این دست نیز توجه و از آن پشتیبانی کنند.

در گفتگو با نماینده ای بودیم که از من پرسید: چرا فقط تو تنها ایرانی شرکت کننده در این کنفرانسی؟ گفتم: دوستان

ایرانی ما در آمریکا و احتمالاً در جاهای دیگر دنیا با وجود قدرت مالی، از نیروی اتحاد نا آگاهند و مثل خیلی های دیگر فکر می کنند که برای این زمین، تا ۵۰ یا ۶۰ سال دیگر هم اتفاقی نمی افتد. تا آن موقع هم "کی مرده است و کی زنده" آنها عادت کرده اند به تفکری که می گوید: "دیگی که برای من نمی جوشد، فرقی نمی کند که چه چیزی در آن بجوشد".

اما در داخل کنفرانس...

یکی از مسائل مورد توجه خود من در این کنفرانس، حضور حدود ۲۰۰۰ نفر با فرهنگهای مختلف و آداب و رسوم گوناگون بود و عدم توجه گاه به گاه آنان به مساله تولید زباله و آلودگی. این مطلب را با یکی از مدیران برگزار کننده ی کنفرانس، در یک گفتگوی چند دقیقه ای در میان گذاشتم. همین جا باید یادآوری کنم که نمایندگان رسانه های

گروهی در این کنفرانس واقعا از آزادی عمل بسیار موثری برخوردار بودند، به عنوان مثال، مسئولان سازمان ملل و برگزار کنندگان کنفرانس، سالن ویژه ای را در اختیار رسانه های گروهی قرار داده بودند که فقط با ارائه کارت مخصوص می توانستند وارد آن سالن شوند. حتی ورود نمایندگان کشورها هم به آن سالن ویژه ممنوع بود. این امتیاز برای من و رسانه 670 AM KIRN شانس بسیار ارزنده ای بود که هم به سالنهای اصلی دسترسی داشتیم و هم به کنفرانسهای خبری دعوت می شدیم. سالن دیگری هم در اختیار ما بود با حدود ۴۰۰ کامپیوتر و امکانات ماهواره ای.

همانطور که گفتم مساله آلودگی و زباله را با آقای استیون مدیر مرکز کنفرانس در میان گذاشتم. او گفت: ما فکر همه این مسائل را کرده ایم. به عنوان مثال سعی کرده ایم در رستورانهای این مرکز از گوشت گاو و گوساله کمتر استفاده کنیم، زیرا تولید گازهای گلخانه ای برای پرورش گاو و گوسفند در مقایسه با مرغ به مراتب بیشتر است. او همچنین اشاره کرد که از ارائه ی شیشه های پلاستیکی آب، خود داری کرده اند. (او گفت که از محل بودجه متعلق به بسته های کادوئی به شرکت کنندگان چنانکه رسم است، صندوقی درست کردیم و از بودجه این بسته های کادوئی، که حدود ۸۰۰۰۰ دلار می شد هزینه بورس تحصیلی برای ۱۱ دانشجوی دوره فوق لیسانس در رشته تغییرات اقلیمی و انرژی غیر فسیلی فراهم کنیم.)

بزرگترین نکته ی منفی این کنفرانس، پرواز تعداد زیادی هواپیمای شخصی و بازرگانی بود که ۱۱۰ تن از رهبران کشورها و هفتاد تن از شهرداران جهان، شخصیت های اقتصادی، سیاسی و بازرگانی را به کپنهاگ آورد. اما از نکات مثبت این که در نشستهای کنفرانس، تصمیم بر آن گرفته شد که با کمک بلا عوض به یک کارخانه آجرسازی در بنگلادش، آن کارخانه ماشین آلات خودش را با معیارهای "سوخ پک" هماهنگ کند. و به جای استفاده از زغال سنگ از انرژی غیر فسیلی مثل



تامین بودجه اولیه صندوق در این کنفرانس، برای خیلی از کشورهای حتی صنعتی هم میسر نیست. مثلاً کشوری مثل لهستان که در اروپا هم واقع شده است، به صراحت اعلام کرد که پولی در بساط ندارد. وضع اقتصادی این کشور حتی از بعضی از کشورهای در حال توسعه هم بدتر است. گرفتاری اصلی، شناخت حق از باطل است که چه کشوری محق برای گرفتن کمک می باشد و این حق برای چه کشوری موجه نیست. مسئله دوم این است که بسیاری از کشورها ادعا می کنند که آلودگی هوا، نتیجه خرابکاری و بی توجهی چند کشور صنعتی جهان در چند سال گذشته است. آنها می گویند کسانی که این ضایعات را به وجود آورده اند باید مسئولیت را به عهده بگیرند. گفتنی بسیار است و صفحات مجله محدود. کوشش می کنم در شماره ی آینده ی مجله مهر گیاه، به راه کارهای پیشنهاد شده و نتیجه گیری پایانی اجلاس جهانی کپنهاگ، برای نجات زمین بپردازم.

من در کپنهاگ به سر بردم، تا ۸ صبح هوا تاریک بود و بعد از ظهرها هم از ساعت ۴ آسمان تاریک می شد. در نتیجه من در تاریکی به سالن کنفرانس می رفتم و در تاریکی هم باز می گشتم. غیر از یک بعد از ظهر که از یادداشتی از راه رفتن زیاد و دوچرخه سواری به خودم مرخصی دادم و قسمتی از این شهر زیبا و بازار خرید آن را دیدم، خاطره دیگری از کپنهاگ ندارم.

همین جا باید متذکر شوم که شرکت کنندگان در کنفرانس، همه با کنفرانس موافق نبودند مخالفان پدیده گرمایش زمین هم در این کنفرانس بودند و صدای اعتراض خود را با طبل و بوق و کرنا و گاهی با سخنرانی هایشان به گوش مردم می رساندند. به هر حال دانمارک کشور آزادی است و آزادی بیان هم یکی از اصول کشورهای آزاد است.

بازگردیم به کنفرانس...

مشکل اصلی در این است که جهان از بیماری اقتصادی مهلکی رنج می برد که ناشی از حرص و طمع جهانی است.

انرژی خورشیدی و غیره استفاده کند. از کارهای سمبلیک دیگر برای نشان دادن زیانهای گرمایش زمین، نصب یک مجسمه یخی غول پیکر از یک خرس قطبی در یکی از میدان های شهر بود که طبیعتاً به دلیل دمای هوا تا پایان کنفرانس، رفته، رفته یخ های آن آب می شد. این کار نمادی بود برای تجسم آب شدن کوههای یخی و انقراض نسل خرس قطبی بر اثر افزایش گرمایش زمین. در میدان کینگ که یکی از زیباترین میدان های شهر کپنهاگ است، تعدادی زیادی اطلس یا کره زمین، نصب شده بود که مورد بازدید مردم و توریست ها قرار می گرفت در گستره ی این میدان بزرگ که شبیه میدان توپخانه قدیم تهران (من اسم میدانهای جدید را نمی دانم) است، پوسته های عظیمی، نمای نقاط گوناگون جهان را در نشان می دادند که به صورت بسیار زیبایی بر آنها نور افکنده بودند. بر روی یکی از پوسته ها نوشته شده بود که تا پایان قرن بیست و یکم هوای سرد شیکاگو به گرمای هوای تگزاس خواهد شد. در مدت زمانی که





نوشین معینی کرمانشاهی

بهار

خاموش

راه کارهای جدی و سریع در مورد نجات زمین، با پیشنهاد سازمان ملل در ماه دسامبر در "کوین هاگ" برگزار شد که در آن هزارها نفر از نقاط گوناگون جهان شرکت کردند.

"شان فاضلی" یکی از فعالان ایرانی در این زمینه، که برنامه ساز و مجری "مهرگیا" است با وجود گرفتاریهای فراوان که دامنگیر همه ی ما در آمریکا شده است نیز برای حضور در این سمینار، بار سفر بست و راهی "کوین هاگ" گشت و همانگونه که در این نشریه ملاحظه می کنید با کوله باری پر و نافع باز گشته است.

ما انسانها در برابر طبیعت و حفاظت از آن وظایفی داریم که متاسفانه تا کنون آنها را نیاموخته ایم که اگر آموخته بودیم در این عصر، با چنین معضلاتی روبرو نمی شدیم. ما از ظهور بیماریهای متعدد و جان فرسا، به علت بی اعتنائی به طبیعت آگاه نبودیم و آنان که با ساختن ابزار سموم آفرین و افزایش تولید بوسیله ی مواد مصنوعی مرض زا، بذر نابودی بشر را می کارند، بی خبر تر از ما هستند.

با نگاهی به یخچالهایمان، گنجه ی لباسهایمان، اثاثیه ی بی مصرف دور و برمان و موادی که روزانه مصرف می کنیم، در خواهیم یافت که چه لطمه ای

های عمومی و فردی، به آرمانی جمعی دست یابد که همانا زندگی سالم برای همه ی موجودات خاکی است.

بیانیه ی جنبش جهانی سبز، که با سه عنوان ساده ی، تندرستی، حقوق بشر و شناخت محیط زیست، جمع بندی می شود برای همه ی افراد بشر قابل فهم و اجراست.

همانند دیگر ایرانیان ساکن در این کشور، من نیز کم و بیش با فعالیتهای فعالان، در این راه مثبت و نیکو، آشنائی پیدا کردم و "ال گور" را که چند سالی است در این راه، به طور مستمر و خستگی ناپذیر گام بر می دارد، ستودم اما تا همین اواخر، درک مستقیم و رویت پذیری از سهم خود در این راستا، نیافته بودم.

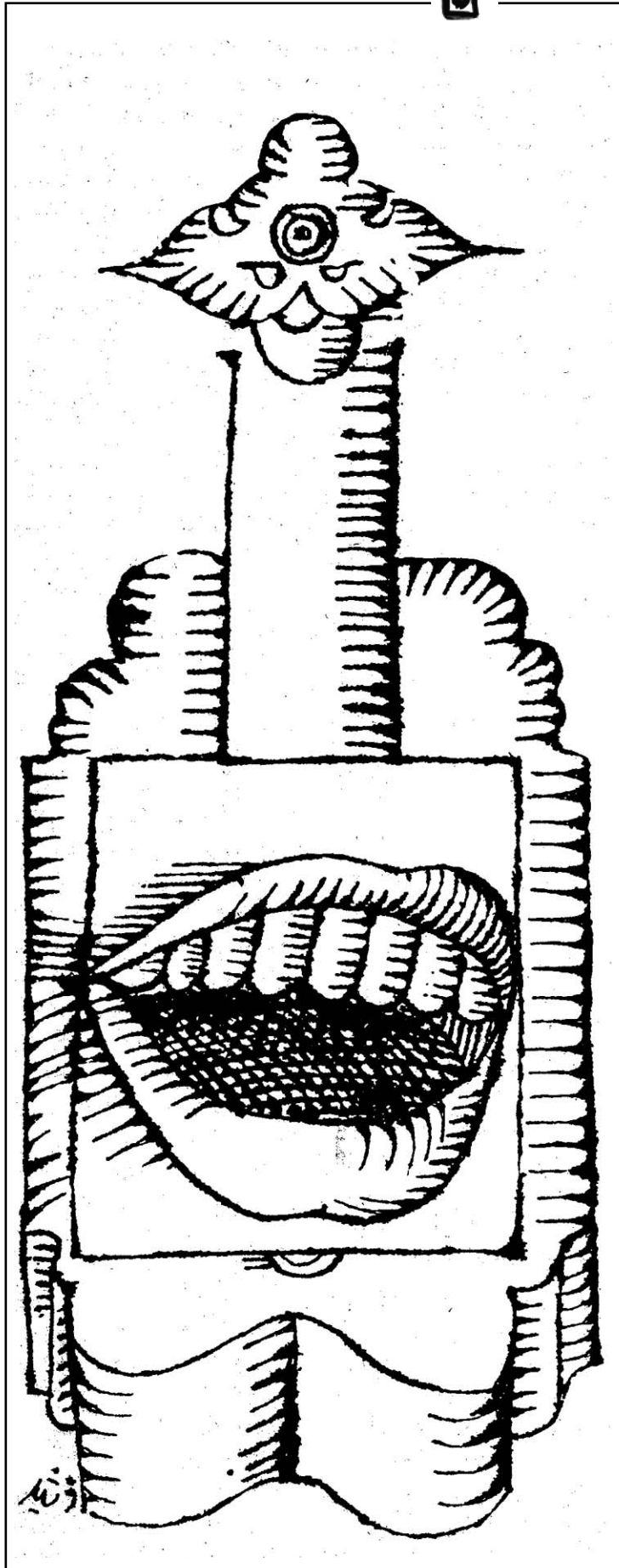
چندی پیش از شبکه ی رادیویی ۶۷۰ در برنامه ای به نام "مهرگیا" مطالبی شنیدم که توجه مرا به خود جلب کرد و مسئولیتم را نسبت به "زمین" و حمایت از آن یاد آوری نمود. از آن پس یاد گرفتم که به جای اصراف، در حد معقولی مصرف کننده باشم و برای مثال از مقدار آبی که در حمام یا هنگام شستن ظرف و لباس یا آب پاشی باغچه و گلدانها، به طور روزانه مصرف می شود، بکاهم.

سمیناری به منظور تبادل نظر و یافتن

با آنکه پاره ای از آمریکائیهها تشکل جنبش سبز (منظور جنبش سیاسی ایران نیست) را، محصول محتویات کتاب ارزشمندی به نام "بهار خاموش" نوشته ی "راشل کارسون" می دانند - پیشینه ی اینگونه تفکر روشنفکرانه به قرن نوزدهم باز می گردد و درک عمیق چند متفکر آمریکائی از بروز مشکلاتی که امروزه بشر با آن مواجه گردیده است.

تفکرات روشنفکرانه ی هر عصر، بنا به مقتضیاتی که ویژه ی آن عصر است، نضج میگیرد و ثمر میدهد. امروزه با شناخت گسترده ی مردم جهان، از مشکلات به هم پیوسته ای که زمین را در مخاطره قرار داده، حرکتیهای روشنفکری از مرزهای سیاسی و هنری پافراتر نهاده و نگاه روشنفکران ابعادی وسیع تر یافته است که "جنبش سبز" نتیجه ی آن است.

"جنبش سبز" نه در گرایش موقت، نسبت به ایده ای پدید آمده است و نه به گروه خاصی تعلق دارد. به تاریخ و فرهنگ ملتها نیز بی اعتناست زیرا در درجه ی نخست، حفظ و حراست طبیعت، مد نظر و در دستور کار آن قرار دارد. این جنبش در صدد است که راه کارهایی در جهت نجات زمین، پیش روی جهان قرار دهد و از طریق برنامه

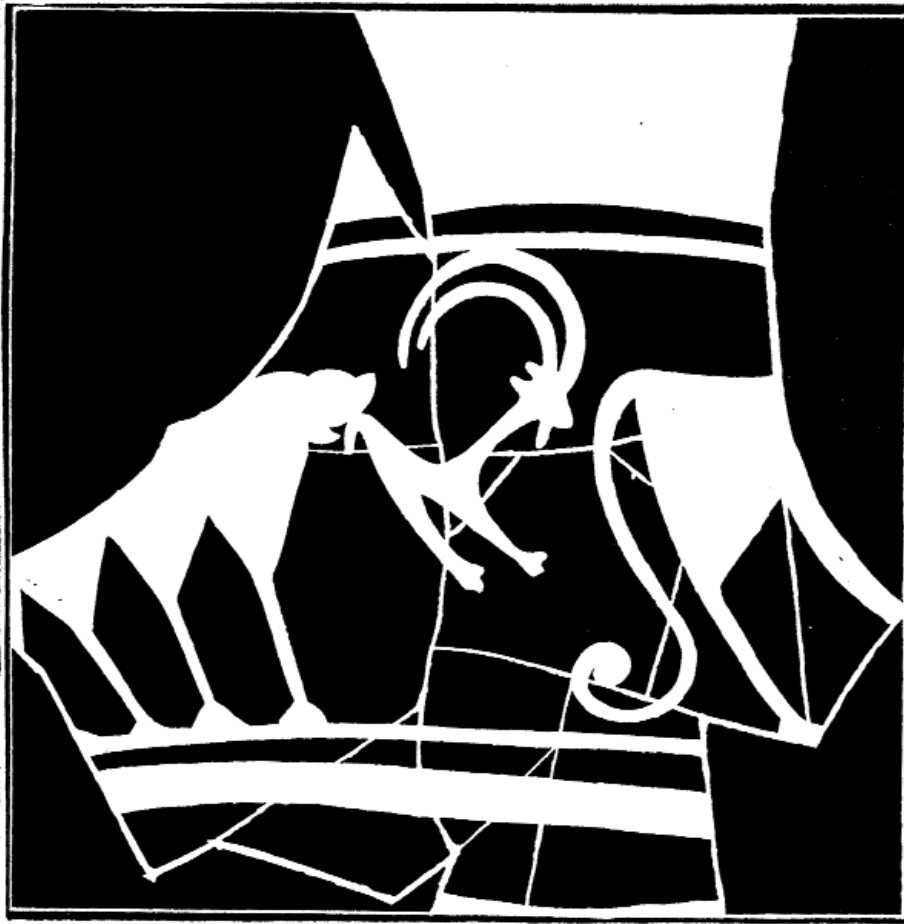


به طبیعت می‌زنیم و چه دنیای پر رنجی
برای آیندگانمان بر جای خواهیم نهاد.
محصولات طبیعت، با شیوه‌ای منطقی
و حساب و کتاب فصلی، بوجود می‌آیند
و هنگامی که در این حساب و کتاب،
برای تولید سرسام آور مواد، اختلالی
روی دهد، همه چیز از هم می‌پاشد و
حیات زمین و موجودات آن، به
نابسامانی هائی دچار می‌شوند که
جبران ناپذیر است.

به شبکه‌ی رادیوئی ۶.۷۰ و مدیران آن
برای پخش یک برنامه‌ی موثر تبریک
می‌گویم و دست آقای فاضلی را که
نجات زمین را آرمان خود ساخته است
می‌فشارم و از همه‌ی هموطنان عزیزم
می‌خواهم که طبیعت را دوست بدارند و
از آن حفاظت کنند. اگر نه برای
خودشان حداقل برای فرزندانشان و
نسل‌های آینده.

حرکت‌های هنری بسیاری از سوی
نقاشان، نویسندگان، شاعران و
فیلمسازان، برای پیشبرد این هدف
مقدس، انجام گرفته‌است. که امیدوارم
همچنان ادامه یابند. نقاشان پرشماری
در گوشه و کنار دنیا به ساختن آثاری
پرداخته‌اند که تفکر پالایش این کره
خاکی را از آلودگیها، تقویت می‌کند.

کوشش می‌کنم هرچندگاه یکبار،
هنرمندی را به شما معرفی کنم که با
هنرش، ناقوس بیداری را به صدا در می
آورد و با نمایش آثاری موافق با جنبش
جهانی سبز، مخاطبانانشان را به تلاش
در پاکیزه کردن محیط زیست، تشویق
میکند. با آنکه همیشه هنر را دور از
ترکیب‌های تبلیغاتی می‌پسندم و با
حضور شعار در آثار هنری، به شدت
مخالفم اما باید اعتراف کنم که در این
زمینه، شعار و تبلیغات را ضروری می
دانم چرا که همانطور که پیشتر گفتم
جنبش سبز، در مسیر خواسته‌های
یک حزب، یک دسته، یا فلسفه‌ای
قشری، حرکت نمی‌کند و منافع حاصله
از شناخت و اجرای دستورالعمل‌های
آن، به همه‌ی ساکنان دنیا تعلق خواهد
یافت.



زمین میراث آدمی

تقسیم شادمانه، نیروی ذهنی، کشف هوشمندانه، بینشهای شاعرانه، آرامش روانی، و استراحت بدنی را تجربه کرده اند، می خواهند دانه همه اینها را در محیط زیست انسانی بپاشند. ولی زندگی واقعی بیشتر آدمیان دستخوش کار کمرشکن، بیماریهای

ساخت تا محیط را به فرمانبرداری از هدف و خواستههایش وادارد. کوشش برای بهتر ساختن جامعه انسانی به کهنسالی خود انسان است، و این از ماهیت تجربه آدمی ریشه می گیرد. آدمیان معتقدند که می توانند خوشبخت باشند. آنان آسایش، امنیت،

آدمی ساکن دو جهان است. یکی جهان طبیعی گیاهان و جانوران، خاک و هوا و آب، که میلیارد ها سال زودتر از وی پدید آمده اند و او خود بخشی از آن است؛ دیگری جهان نهادهای اجتماعی و چیزهایی که او با افزارها و موتورها، دانش و رویاهایش، برای خویشتن



مرگ آور یا رنجور کننده، جنگها و قحطیها، بی فرزندی، ترس و نادانی است، و این آخری خود ترس بیشتری به بار می آورد. مرگ دهشتناک و ناشناخته سرانجام انتظار هر کس را می کشد. میل به شادی، پشتیبانی و آسایش، واکنش شدید در برابر ترس و اندوه از خصوصیت‌های آدمی است.

این واکنشها تا اندازه ای در سایر جانوران نیز دیده می شوند. پرندگان آشیانه ساز، بیدسترهای سدساز، و جانوران شکاری نیز زندگی خود را تغییر و توسعه می دهند، و از جان و زیستگاه خود هشیارانه دفاع می کنند. بسیاری از واکنشهای آدمی در روبه رویی پیروزمندانه با طبیعت، که در عین سودمندی ویرانگرند، از نیاکان حیوانی او به ارث رسیده اند. اندیشه ابتدایی به هنگام گریز از آتش، پنهان شدن از جانوران وحشی، در آغوش کشیدن و عشق بازی کردن گیرنده کارآمد احساسها، و اداره کننده پاسخهای مناسب عاطفی و احساسی انسان بود.

مهمترین چیزی که سبب جدایی میان آدمی و نیاکان حیوانی او گردیده همانا تحول و توسعه مغز اوست. زمانی، در حدود صد هزار سال پیش، مغز، بزرگتر و پیچیده تر گشت. جمجمه انسان نوین سه برابر جمجمه انسان اوسترالوپیتکوس

(Australopithecine hominid) است که عموماً او را بلافاصله آدمی میدانند، این دگرگونی در اندازه و ساختمان مغز آدمی توانایی او را در گرفتن احساسها و اندیشیدن، دور اندیشی، و انتخاب هوشمندانه هدفها افزایش داده است. چنانکه می گویند مغز آدمی ده هزار برابر از پیچیده ترین حسابگرهای کنونی اجزای تشکیل دهنده دارد. و هنوز حسابگری اختراع نشده است که بتواند بیوید، بچشد، ببیند، لمس کند و از این راه بر ظرفیت خود برای تفکر

تجربیدی بیفزاید، یعنی دارای همه آن غنا و پیچیدگی عاطفی واکنش آدمی گردد.

این تحول و گسترش شگرف مغز آدمی از وابستگی او به غریزه حیوانی می کاهد، ولی همین خود، سرچشمه آفرینندگی و ویرانگری اوست. آدمی بهتر از هر پرنده یا بیدستر می تواند اوضاع و احوال ناسازگار را به سود خود دگرگون سازد، و اگر در نخستین آزمایشش کامیاب نشود، با آزادی بیشتری که دارد، به کاری تازه دست می زند، ولی می تواند آزمایشهای خود را تا جای فاجعه آمیزی نیز دنبال کند که دیگر راه برگشتی برایش باقی نمی ماند. واکنشهای غریزی او را از این کار باز می دارند.

این آزادی متممی دارد. چنین سلسله احتمال و مخاطره ای را باید تابع نوعی نظم کرد. هیچ واحد اجتماعی، حتی به کوچکی خانواده، نمی تواند با تغییر، نوآوری، و آزمایش مداوم زندگی کند. این واکنش غریزی باید با عناصر یک طرح اجتماعی و فیزیکی ساخته آدمی تکمیل گردد. نخست برای نگهداری از خود، و سپس برای همه مفهومهای دیگری چون زیبایی، ایمنی، و سودمندی، که آدمی می تواند درباره آنها بیندیشد، آنها را به درجات متفاوت به تصور آورد و ادراک کند.

آدمی از آغاز پیدایشش همیشه در صورتهای اجتماعی و در تحولات فنی نوآوری کرده است. او بلند پروازانه و نامطمئن در جایی زندگی می کند که "بیوسفر" جانداران و "تکنو سفر" (technosphere) اختراعاتش بر هم اثر متقابل دارند.

ولی امروزه، که آغازین قرن ۲۱ زندگی می کنیم. چنین احساس می شود که چیزی بنیادی و احتمالاً چاره پذیر در رابطه آدمی با دوجهان او در شرف روی دادن است. در طی دویست سال

گذشته، بویژه در ۴۰ سال گذشته، با سرعتی گاه کم و گاه زیاد، قدرت، میزان و عمق مداخله آدمی در نظام طبیعت خبر از دوران انقلابی تازه ای در تاریخ آدمی می دهند که شاید انقلابی ترین دورانی باشد که به پندار آدمی در می آید. به نظر می رسد که آدمیان در مقیاس سیاره ای، کنترل شونده را جایگزین کنترل ناشونده، مصنوع را جانشین طبیعی، و اندیشیده را جایگزین امور تصادفی می کنند. این کار را با چنان سرعت و عمقی انجام می دهند که در تاریخ آدمی بی سابقه است.

آغاز نوآوری

مقیاس و سرعت، کلید های این انقلابند. اگر به تاریخ چند هزار ساله آدمی بنگریم، می بینیم که از آغاز پیدایش آدمی نوع مداخله های او و سرعت توالی آنها دارای شتاب بوده است. این ترتیب رانمی توان در مفهوم خوش بینانه قرنهای هیجدهم و نوزدهم "پیشرفت" نامید. خوب و بد در سراسر این جریان پراکنده اند. برخی از سودمندترین اختراعات بسی پیشتر از اختراعاتی کم سودتر دیگر به وجود آمده اند. ولی توانایی آدمی در تغییر محیط به طور کلی، رو به پیشرفت است.

نخستین اختراع او شاید بزرگترین اختراعش باشد. و آن زبان، یعنی توانایی برقرار کردن ارتباط با دیگر آدمیان از راه نمادهای سخن گفتن به وسیله کلمات است، که هر یک معنایی قراردادی به همراه دارد. کلمات، فعالیت های مشکل گروه ها و طایفه های انسانی را ممکن ساخته اند و به وسیله آنها فوت و فن مشترکی در کار تعقیب و به دام انداختن شکار فراهم آمده است. کلمات را می توان منشا جادوگری و آیینهای مذهبی، شعر و داستان پردازی به شمار آورد. هزاران





سال است که زبان، سودمندترین افزار برای آدمی بوده است.

در زمانی به ما نزدیکتر، آدمی به نیروی تازه و شگرفی دست یافت - و آن استفاده از انرژی غیر انسانی برای افزودن بر فعالیت های خود بود. در آغاز، آدمی توانست جانوران را وادارد که کارهای او را انجام دهند. اما با بکار گرفتن آتش، استفاده از منابع بزرگ انرژی غیر حیوانی را آغاز کرده است.

آدمی نخستین موجودی است که از آتش نمی گریزد. شاید او در آغاز آتش را برای ترساندن جانوران در حین شکار به کار می برده است، و شاید روزی از روزها گرسنه بود و از گوشت جانوری که نتوانسته بود به موقع از آتش بگریزد و کباب شده بود چشید، و از آن پس خوراک را در اطراف آتش اردوگاه آغاز کرد. و آتشی که در تاریکی جنگلها و در میان علفهای خشک خروش و غوغا به پا می کرد، پس از آن که رام گردید و در اجاق به مهار کشیده شد مرکز استفاده و آسایش خانوار گردید.

آتش در نخستین نوآوری فنی بزرگ آدمی، یعنی اختراع کشاورزی پایدار نیز سهم به سزایی داشت. تا به امروز در بسیاری از جوامع ابتدایی، اساسی ترین شیوه کشاورزی انداختن درختان و سوزاندن آنها بوده است. خاکستر درختان سوخته خاک را نیرو می بخشد، و هرگاه این کود به مصرف برسد و محصول کم شود، قبیله به جای دیگری از جنگل کوچ می کند، درختان دوباره می رویند، و برگهای آنها سرانجام در خاک باقی می ماند و گیاه خاک به

وجود می آورند. این یکی از شیوه هایی بود که در چند ده هزار سال پیش آدمیان توانستند بدان وسیله در بخشهای گوناگون سیاره ما دوره های رشد طبیعت را تقلید کنند و از این راه خود را از وابستگی هزاران ساله به شکار و گردآوری خوراک برهانند.

براستی دوره آفرینندگی غیر قابل مقایسه ای بود. افزارهایی به شکل چماق برای هل دادن و کندن یا سلاحهایی سنگی که آدمی آنها را از نیاکان حیوان خود به ارث برده بود، اکنون با تراشیده شدن به صورت چاقو و تبر و بیل عصر حجر در آمدند. خانه هایی ساخته شدند. پارچه و ظرف، حاصل اختراعات نوظهور پارچه و ظرف، حاصل اختراعات نوظهور پارچه بافی و چرخ کوزه گری اند. آبجو سازی آغاز شد. پخت و پز غذا متنوع تر گردید، در هوای سرد اجاق به خانه گرما بخشید.

آتش با ممکن ساختن عصر فلزها، آدمی را به استفاده های کشاورزی و خانگی از آن محدود نساخت. شاید در این جانیز دیدن در آتش گداختن فلزی که روی زمین قرار داشت راه به کار بردن فلزهای نرم و چکش خوار را به آدمی آموخته باشد.

آدمی از کندن و ساییدن سنگ دست برداشت و به گداختن فلزها روی آورد. عصر مفرغ، و آنگاه عصر آهن پس از عصر حجر آمدند. پایداری و دوام بیشتر این مواد نوین بر میزان استفاده از آنها افزوده است. شکل وسیله های موجود دگرگون و گوناگون گردید. آنها را

برای زینت و آرایش به کار بردند. افزارهای تعقیب شکار کارآمدتر شدند. جنگ افزارهایی چون شمشیر آهنی و سپر مفرغی نیز بدینسان بودند. و در این جاست که با آغاز مرحله استفاده آدمی از انرژی غیر انسانی با هشدار شگفت و باستانی برای گسترش تکنولوژی رو به رو می شویم. آتش در کار پاک کردن جنگلها و حاصلخیز ساختن کشتگاه ها آدمی را یاری کرد. آتش فلزها را گداخت، اجاقها را فروخت و به کار بردن آن برای فراهم آوردن محصولی بیش از معاش معمولی، زمینه را برای نخستین آزمایشهای بزرگ و متشکل تمدن آدمیان در خاورمیانه، شمال هندوستان، و چین آماده ساخت. ولی با وجود این، در یکی از باستانی ترین اساطیر باختری، آتش هدیه ای سودمند به شمار نمی رود. آن را از خدایان دزدیده اند، و پرومته (Prometheus) دزد به کیفر این گناه برهنه به صخره کشیده شده است، و کرسکی همواره برجگر او نوک می زند. آدمی با این نیرو و توانایی تازه ای که برای دگرگون ساختن محیط به دست آورده، در اساطیر یونان به عنوان آفرینشگر، نوآور، بازسازنده جهان خود و جهان جانوران نقش خدایان را ایفا می کند. شان و آزادی او شایسته چنین چیزی هست، ولی همین، خودبینی و غروری به وی داده است که به آسانی او را در خطر نابودی می افکند.

ادامه دارد...

نوشته: باربارا وارد - رنه دو بو
برگردان: دکتر محمود بهزاد







کتابی به نگارشی " مریال همینگوی "

زندگی سالم از درون به بیرون

■ مجسمه ساز اندام خود باشید

■ خانه تان را به مکانی تبدیل کنید که برای شما آرامش و تمرکز ایجاد کند

(تلفیق ممتد خرد با پیشنهادها ی کارشناسانه، در کتاب "زندگی سالم از درون به بیرون" نوشته ی " مریال همینگوی" دارای نیروئی برای دگرگون کردن زندگی ها است. روی صحبت "مریال" با کسانی است که همواره در راه زندگی سالم تر، تلاش می کنند. من مصرانه این برنامه ی خردمندانه و متوازن را که او برای سلامتی ارائه داده است، توصیه می کنم).

پشت جلد کتاب مطالبی دیده می شود از زبان کسانی که آنرا خوانده و توصیه کرده اند و به هدفهای آن نیز به صورت گزیده اشاره شده که آنها از این قرار اند: ■ تغذیه ی مطلوبی را انتخاب کنید که حاوی مواد انرژی زا و سرشار از ویتامین باشد.

■ آنچه را که می دانید مفید نیست از غذای روزانه ی خود، حذف کنید.

■ به دنبال ورزشی بگردید که بتوانید آن را ادامه دهید.

■ مجسمه ساز اندام خود باشید.

■ خانه تان را به مکانی تبدیل کنید که برای شما آرامش و تمرکز ایجاد کند.

■ از شتاب در مسائل بپرهیزید و به زندگی خود ابعاد روشنتری بیافزائید.

پس از انجام این روشها، در مدت سی روزه نتیجه خواهید رسید.

ارثیه ی قابل توجهی باقی نمانده است زیرا منافع کتابهای نویسنده ی بزرگ در اختیار ناشران اوست و لذت خواندن کتابها از آن همه ی مردم جهان می باشد. پس " مریال" به جز خاطره های دردناک کودکی، در خانواده ای از هم پاشیده، توشه ای کسب نکرده است. شاید شناخت درد، ریشه یابی و سنجش مقدار آن، کوشش در جهت مهار کردن و از میان برداشتن عوامل جانبی، سبب شد که " مریال" از تفکر شرق در زمینه ی "تمرکز" مددگیرد و راه کارهایی را بیافریند که خانواده ی او را در مقابل میراث شوم ژنتیکی، در امان نگاه دارند. در این کتاب او با عکس و شرح کامل، نرمشهای آسان لیک اساسی را در اختیار خوانندگان خود قرار می دهد. همچنین دستور طبخ غذاهای مفید را مخاطبان او می توانند در کتاب مذکور بیابند.

کتاب "زندگی سالم از درون به بیرون" که در سال ۲۰۰۷ به زیور طبع آراسته شد، با موفقیت بسیار مخاطبان علاقمند روبرو گشت.

" دی پک چاپرا" مراد پاره ای از مردم جهان و نویسنده ی کتاب موفق به نام " جوان پیری" در مورد کتاب " مریال" می نویسد:

" مریال همینگوی" یکی از سوپر مدل های دهه ی هشتاد، کاندید جایزه ی اسکار در سن هفده سالگی برای نقشی که در فیلم "من هتن" در مقابل " وودی الن" ارائه داد و نوه ی " ارنست همینگوی" داستان نویس برجسته ی آمریکائی، خود نیز نویسنده است. کار " مریال" اما داستان نویسی نیست. کتابهایی را که او می نگارد در قفسه ی مربوط به امر مهم سلامتی، در کتابفروشی ها خواهید یافت.

نگرانی های " مریال" پیرامون از دست دادن تعادل روحی خود و فرزندانش سبب گشته است که او به روشهایی برای پاکیزه کردن روح و جسم مراجعه کند و پس از نتیجه گیری های مثبت در این زمینه، تجربه های خود را در کتابهایی، ارائه دهد.

از آنجا که " مریال همینگوی" در جوانی شاهد خودکشی پدر بزرگ دنیا شناخت و سپس خواهر " مارگو" عزیز زیبا و مشهور خود بوده است، برقرار کردن تعادل روح و جسم را عاقلانه ترین راه برای خود و فرزندانش یافته که می دانند مشکل افسردگی، اعتیاد به مواد مخدر و الکل و خودکشی در خانواده ی آنها موروثی است.

از " ارنست همینگوی" برای " مریال"